



تاریخ اسلام

تاریخ اهل بیت (۲)

استاد: سید عبدالفتاح نواب

مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران

اداره تولید محتوا

چند نکته

۱) محتوای این جزوه اساس مطالب بیان شده در جلسات درسی است باضافه نکاتی که برای دانش پژوه مفید است.

۲) ترجمه نشدن متون عربی به جهت روشن بودن مفهوم بیشتر عبارات و ایجاد زمینه رجوع به فرهنگ لغت در صورت نیاز بوده.

۳) متن روایت امام سجاد علیه السلام به زهری در باره روزه به جز بخش اول جهت اطلاع آورده شده.

همیشه موفق و سر بلند باشید نواب

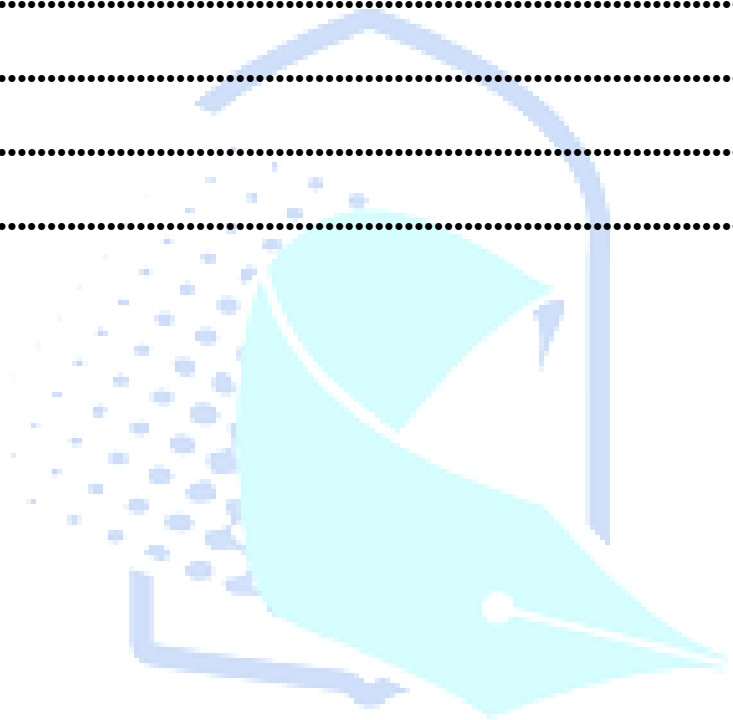


فهرست مطالب

جلسه نخست:	۴
اهداف:	۴
گذری بر خلافت امام علی علیه السلام	۴
راهبرد درس:	۴
اهداف اصلی:	۴
تبیین وضعیت شیعه در این دوره:	۴
دوران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله	۵
دستاوردهای عصر خلافت حضرت امیر علیه السلام	۶
عصر امام حسن علیه السلام عصر آزمون سخت شیعه برای ماندن (رمضان سال ۴۰ ه ق تا صفر سال ۵۰ ه ق)	۷
ویژگیهای عصر امام حسن علیه السلام	۸
عثمانیه و خوارج قدرت میگیرند	۸
پرسشها	۹
جلسه دوم:	۱۰
عصر ولایت امام حسین علیه السلام	۱۰
برخی از مسائل جبهه علوی و اردوگاه اموی در این مقطع عبارتند از:	۱۰
جلسه سوم:	۱۳
عصر ولایت امام حسین و امام سجاد علیهما السلام	۱۳
حاکم شدن یزید بن معاویه	۱۳
ویژگی عصر امام حسین علیه السلام	۱۴
در عصر امام سجاد علیه السلام سه قیام مهم در مدینه و کوفه است:	۱۵
امامت امام مجتبی علیه السلام	۱۶
درس چهارم	۱۹
آغاز امامت امام حسن علیه السلام	۱۹

۲۰	بیعت با امام حسن علیه السلام
۲۶	متن صلح نامه
۲۶	پرسش ها
۲۷	درس پنجم
۳۰	* امام به مدینه باز می گردند
۳۰	* راهنمایی و دلسوزی برای شیعیان
۳۳	جلسه ششم
۳۳	شایعات و برچسبها به امام مجتبی علیه السلام
۳۶	ارتحال امام با شهادت
۳۸	شهادت امام حسن علیه السلام
۳۹	پرسش:
۴۱	جلسه هفتم
۴۱	رویکرد امام حسین علیه السلام در برابر حکومت معاویه و یزید
۴۸	جلسه هشتم
۴۸	تدابیر معاویه برای تثبیت یزید و موضعگیری امام علیه السلام
۵۱	وضعیت فکری فرهنگی در شام
۵۵	جلسه نهم
۵۵	عوامل و زمینه های وقوع حادثه کربلاء
۵۷	خروج امام علیه السلام از مدینه و حماسه بزرگ و ماندگار عاشوراء
۵۹	پرسش:
۶۰	جلسه دهم
۶۰	پیآمدهای قیام کربلاء با تکیه بر قیام های شیعی
۶۵	پرسش:
۶۶	جلسه یازدهم
۶۶	امام سجاد علیه السلام در واقعه عاشوراء

- ۶۶ امامت امام سجاد از روز عاشورا شروع شد.
- ۶۶ خون حسینی در رگهای امام سجاد علیه السلام.
- ۶۹ گریه امام سجاد علیه السلام بر امام حسین علیه السلام:
- ۶۹ گریه امام سجاد علیه السلام و اهل مدینه بر امام حسین علیه السلام:
- ۷۰ امام علیه السلام و قیام های عصر ایشان
- ۷۰ قیام مردم مدینه ، علل و فرجام آن
- ۷۱ قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی
- ۷۲ جلسه دوازدهم
- ۷۲ امام سجاد علیه السلام و جریان های فکری (فرقه ها)
- ۷۹ امام و نزدیکان
- ۷۹ *همسران:
- ۷۹ *فرزندان:
- ۷۹ *چگونگی شهادت:
- ۷۹ پرسش:



جلسه نخست :

درآمدی بر عصر خلافت امام حسن علیه السلام

اهداف:

۱. تبیین راهبرد و هدف اصلی درس

گذری بر خلافت امام علی علیه السلام

۲. عصر خلافت امام حسن علیه السلام و ویژگی های آن

تاریخ اهل بیت علیهم السلام در واقع بیان تبار و شناسنامه مکتب مقدس تشیع است چه آن که مکتب تشیع، مکتب اهل بیت علیهم السلام بوده و شیعه بی نام و پیروی از اهل بیت علیهم السلام هویتی ندارد.

راهبرد درس:

بررسی حوادث مهم زندگی امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم السلام

اهداف اصلی:

بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی این دوره

تبیین وضعیت شیعه در این دوره:

در بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی هر دوره باید حداقل اوضاع یک دهه پیش از آن را مورد ملاحظه قرار داد اگر به سال ۳۰ هجری قمری گذری داشته باشیم به فرهنگ سازی که در دوران عثمان بن عفان شکل می گرفت دست خواهیم یافت.

عثمان که خود از بنی امیه بود، از محرم سال ۲۴ ه ق تا اواخر سال ۳۵ ه ق اندکی کمتر از ۱۲ سال زمام امور مسلمین را در اختیار داشت برخی از دستاوردهای حکومت او از این فرار است.

۱) آزاد گذاشتن هر دو شاخه مروانی و سفیانی بنی امیه در سرنوشت جامعه اسلامی.

۲) تبعیض در بخشش های بیت المال

۳) ایجاد اختناق و تبعید منادیان عدالت همچون صحابی سرفراز پیامبر (ص) ابوذر غفاری رضوان الله علیه

۴) گرفتن جزیه مضاعف از نصاری و جزیه کمتر به عنوان ضریبه از نو مسلمانان که (انّ الجزیه بمنزله الضریبه علی العبد فلا یسقط اسلام العبد ضریبته و لکن عمر بن عبدالعزیز شد عن هذه السیاسه و اسقطها عنهم.... تاریخ تمدن

۵) تغییر رویکرد جهاد از نجات انسانها به کشورگشائی و جلب غنیمت یا سرگرم کردن جامعه

خالد بن ولید در تشجیع سپاهیان برای رفتن به افریقیه می گفت: الا ترون الی الطعام کرفغ التراب و بالله لو لم یلزمنا الجهاد فی الله و الدعاء الی الله عزوجل و لم یکن الا المعاش لکان الرأی ان نقارع علی هذا الریف حتی نکون اولی به و نولی الجوع و الاقلال من تولى ممن اناقل عما اتم علیه..

کتاب العراق فی العصر الاموی ص ۱۱ تاریخ طبری ۳۷۳/۳

عبدالله بن عامر در مقام مشورت دهی به عثمان در غلبه بر معترضین گفت: رأی لک یا امیرالمؤمنین ان تأمرهم بجهاد یشغلهم عنک و ان تجمرهم فی المغازی حتی یذلوا لک فلا یكون همء احدهم اأ نفسه... تاریخ طبری ۳۷۳/۳ در چنین اوضاعی در اواخر سال ۳۵ مردم شورش کردند و عثمان را از پای در آوردند و از دفن پیکر او در بقیع ممانعت کردند و مروان جنازه او را در زمینی کنار بقیع به نام حُش کوکب دفن کرد.

مردم پس از کشته شدن عثمان سراغ علی علیه السلام آمدند و با اصرار از ایشان نسبت به پذیرفتن حاکمیت مسلمانان درخواست داشتند که در نهایت ایشان پذیرفتند. در عین حال برخی از خواص وابسته به حکومت عثمان از جمله مروان بن حکم و سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن عمر بیعت نکردند. کامل ۹۸/۳ ولی فرهنگ جامعه طی ۲۵ سال حاکمیت خلفای ثلاث دستخوش تغییراتی شده بود.

عصر امام علی علیه السلام عصر تثبیت احیای اسلام ناب تشیع

پیش از پرداختن به این دوران لازم است یک نکته مهم و اساسی مورد توجه قرار گیرد و آن این که تفکر شیعی، در واقع زنده نگه داشتن تفکر نبوی است؛ از این رو نمی توان دوران خاصی را دوران بنیانگذاری شیعه نامید بلکه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و تفکر شیعی چیزی جدا از یکدیگر نیست از این رو تعبیر برخی از عصر امام علی علیه السلام به عصر بنیانگذاری و تأسیس شیعه عبارتی نارواست بلکه در خصوص این دوران می توان گفت این عصر عصر تثبیت شیعه و تشیع می باشد.

دوران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام نبوی از مسیر اصلی خود منحرف شد و حاکمان غاصب وضعیتی را به وجود آوردند که پرداختن به آن مجال دیگری می طلبد اما با سپری شدن این دوران خلافت ظاهری امام علی علیه السلام و باز

گشت حق به جای خود فرصت احیای اجتماعی اسلام نبوی ایجاد گردید و امام کوشید تا اسلام را که از مسیر اصلی خود خارج شده بود به جای خود بازگرداند و این مسیر انحرافی را اصلاح نماید و شیعه یا به عبارتی دیگر استمرار اسلام نبوی نمود اجتماعی یافت؛ اما جریان انحرافی از مقابله با امام و اسلام اصیل باز نایستاد بلکه جریان‌های مخالف با امام منسجم شد و از این رو می‌توان مهم‌ترین ویژگی عصر امامت ایشان را ظهور جریان‌های مخالف نامید.

دستاورد های عصر خلافت حضرت امیر علیه السلام

۱) عدالت در پرداخت های بیت المال به افراد

در دوره قبل از عثمان ملاک سابقه ارزشی افراد در اسلام بود ولی در دوره عثمان توجه به فامیل و طایفه مقدم شد.

۲) مقابله با زیاده خواهی های طلحه و زبیر و نبرد با توطئه ناکثین و همراهی عایشه در جنگ جمل در جمادی الثانی سال ۳۶ که ۱۳ هزار نفر از ناکثین و ۵ هزار نفر از یاران امام کشته شدند.

۳) ایجاد مقر حکومت در کوفه جهت دسترسی بهتر در مقابله با توطئه های معاویه

۴) مقابله با توطئه ها و فتنه سازی معاویه و قاسطین در نبرد صفین و شهادت عمار بن یاسر در شوال سال ۳۶ ه ق

۵) جلوگیری از برخی بدعتها که در دوره های قبل ایجاد شده از جمله صلاة تراویح در ماه رمضان که در زمان عمر ایجاد شد و عمر اعلام کرد بدعه و نعم البدعه

۶) مقابله با توطئه خوارج و مارقین در نبرد نهروان در سال ۳۷ ه ق

۷) اعزام فرماندارانی به مناطق مختلف کشور اسلامی و نظارت بر عملکرد آنها

با به قدرت رسیدن شیعه از نظر حکومتی مخالفان در قالب سه حزب پرتلاش برای حذف قدرت شیعه دست به کار شدند؛ البته ریشه‌های شکل‌گیری این سه حزب به عصر پیامبر - صلوات الله علیه و آله - باز می‌گردد و شکل‌گیری آنها از همان زمان آغاز شده بود.

توضیح آن که مخالفان پیامبر - صلوات الله علیه و آله - که با فراگیر شدن اسلام توان مخالفت را از دست داده بودند و به ظاهر به موافقان تبدیل شده بودند، با بیان ویژگی‌های الهی حضرت امیر - صلوات الله علیه - توسط پیامبر - صلوات الله علیه و آله - اطمینان حاصل کرده بودند که تنها کسی که این خط سیر را ادامه می‌دهد آن حضرت است و از این رو خود را برای مقابله با ایشان و دوران پس از پیامبر - صلوات الله علیه و آله - آماده می‌-

کردند. مستندات تاریخی مؤید این نکته است که پیامبر - صلوات الله علیه و آله - از وجود این جریان‌ها آگاه بودند و اقدامات پیشگیرانه‌ای برای مقابله با آنها و تضعیفشان انجام داده بودند.

پس از پیامبر این احزاب با به دست آوردن قدرت و ثروت تلاش زیادی برای تحکیم پایه‌های قدرت خود و و انحراف اسلام اصیل انجام دادند اما هم‌سوی حاکمان پیشین در بسیاری از جریان‌ها، ایشان را از ظهور و بروز مشخص بی‌نیاز کرده بود اما با خلافت حضرت امیر و آغاز اقدامات اصلاح‌گرایانه آن حضرت و جدی شدن خطر تثبیت خط سیر اسلام نبوی آنان پا به عرصه مبارزه میدانی و فاصله گرفتن از پرده‌پوشی نمودند. این سه حزب عبارت‌اند از:

طلحه و زبیر هم قطاران خانم عایشه

فرقه عثمانیه (ال‌أمیه)

خوارج

در این عصر کوفه به یک پایگاه نظامی و سیاسی قدرتمند تبدیل می‌شود و به طور طبیعی شیعیان کوفه به رشد سیاسی و اعتقادی دست می‌یازند؛ با قدرت گرفتن جریان تشیع علوی نگرانی‌های مخالفان افزایش می‌یابد و آنها وارد عرصه مبارزه میدانی با آن حضرت می‌شوند به گونه‌ای که زمینه بسیاری از قیام‌ها از اینجا آغاز می‌شود و به شکل‌گیری فرقه‌های عثمانیه، خوارج، طرفداران خانم عایشه و همچنین بی‌طرفان و بی‌تفاوت‌ها (از قبیل سعدبن ابی وقاص، عبد الله بن عمر، محمد بن مسلمه، ابوموسی اشعری، ابوسعید خدری و...) می‌انجامد. این ظهور و بروز و حتی ظهور بی‌طرفان خود زمینه بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌ها را برای اهل بیت علیهم السلام فراهم می‌نماید که پیامدهای شوم آن در عصر دیگر امامان جلوه بیشتری دارد و اگر چه همین جریان‌ها سرانجام خلافت امام را با شهادت آن حضرت به زعم خود به پایان می‌رساند.

عصر امام حسن علیه السلام عصر آزمون سخت شیعه برای ماندن (رمضان سال ۴۰ هـ ق تا صفر سال ۵۰ هـ ق)

با خلافت امام حسن علیه السلام و تحت تأثیر انگیزه‌شده شدن احساسات عمومی ناشی از شهادت حضرت امیر، قوت و قدرتی در شیعیان شکل می‌گیرد که امید به مقابله مستقیم با معاویه را به وجود می‌آورد اما متأسفانه با دسیسه‌های معاویه (که حدود بیست سال حاکم بود) موجب فریب مجدد مردم عراق می‌شود، و عهد شکنی غالب مردمان آن عصر، تحولات میدانی امام را و شیعیان در موقعیتی بسیار سخت قرار می‌دهد آن گونه که حفظ جان شیعیان راستین و حفظ خط سیر اسلام اصیل اولویت می‌یابد

وضع حاکم بر جامعه آن روز آن قدر شکننده بود که امام مجتبی علیه السلام نتوانستند پیکر پاک شهید عدالت امام علی علیه السلام را آشکارا تشییع کنند و در محل آشکاری دفن کنند و این مخفی بودن قبر آن حضرت ده ها سال طول کشید.

معاویه عموزادگان آن حضرت را تطمیع و از آن حضرت جدا کرد وی بخشنامه ای به فرماندارانش نوشت که : اما بعد فالحمد لله الذی کفاکم مؤنه عدوکم و قتلہ خلیفتکم ان الله بلطفه اتاح لعلی بن ابیطالب رجلا من عباده فاغتاله فقتله فترک اصحابه متفرقین مختلفین و قد جاءتنا کتب اشرافهم و قادتهم یلتمسون الامان لانفسهم و عشائرههم، فاقبلوا الیّ حین یأتیکم کتابی هذا بجهدکم و جندکم و حسن عدتکم فقد اصبحتم بحمدالله الثار و بلغتم الامل اهلک الله اهل البغی و العدوان ..

مقاتل الطالبین ص ۳۸ و ۳۹

معاویه هر روز توطئه جدیدی به کار می گرفت در گوشه و کنار کشور اسلامی نا امنی و تضییقی برای شیعیان و پیروان امام مجتبی علیه السلام ایجاد می کرد.

سب و دشنام به علی علیه السلام را به خطبه های جمعه افزود و دشمنان اهل بیت از جمله مغیره بن شعبه را فرمانداری کوفه گمارد.

و از این رو در ظاهر امام را در موقعیتی قرار می دهد که با معاویه قراردادی منعقد کرده و در ازای واگذاری حکومت او را متعهد می سازد که از آزار و کشتار شیعیان دست بردارد تعهدی که خلیفه نیرنگ باز عرب هرگز به آن پایبند نمی ماند.

باید توجه ویژه نمود که این عصر و ویژگی های آن امام را در موقعیتی قرار می دهد که به جرأت می توان گفت دستاورد اقدامات امام در آن عصر استمرار یافتن حیات تشیع راستن علیرغم تمام موانع و مشکلات است و با وجود تمام تنگناها مخالفان هرگز موفق به خاموش کردن چراغ ولایت نمی شوند.

ویژگی های عصر امام حسن علیه السلام

واژه شیعه در ادبیات یاران و مخالفان حضرت رایج می شود

عثمانیه و خوارج قدرت می گیرند

فرقه مرجئه (که معتقد به کفایت ایمان و تبرئه مرتکبان به گناه کبیره) است ظهور می کند.

بروز فرقه مرجئه را شاید بتوان مهم ترین اقدام امویان برای انحراف اسلام راستین نامید، تلاشی که با توجه به مبارزه ثمربخش امام هرگز به فرجام نرسیده و عقیم می ماند.

مرجئه تلاش سازمان یافته امویان برای بازگشت قانونمند انحراف به پیکره اسلام بود؛ به دیگر بیان اعتقاد به

کفایت ایمان و تبرئه کسانی که مرتکب گناهان کبیره می‌شدند پایانی بر تمامی تلاش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای اصلاح جامعه بشری بود؛ چرا که نخست ارتکاب به معاصی را به شکل اعتقادی حلال می‌انگاشت؛ عاملان به آن را از کیفر مصون می‌نمود چرا که اعتقاد داشت قضاوت در مورد عاصیان تنها در حیطه خداوندی است و نباید چنین افرادی مواخذه و مجازات شوند و حتی نباید علیه آنها اقدامی انجام شود و این چیزی نبود جز بازگشت به عصر جاهلیت. دقت در خطر جدی این فرقه برای اسلام، اهمیت مبارزه امام حسن علیه السلام با این فرقه را بیشتر نمایان می‌سازد.

عصر امام حسن علیه السلام با شهادت آن بزرگوار به دست همسرش به پایان می‌رسد و عصری دیگر آغاز می‌شود عصری که شاید تحولات رخ داده در آن نقش بسیار پررنگ‌تری در اذهان ایجاد کرده است.

پرسش‌ها

۱. ویژگی عصر خلافت امام علی علیه السلام را به اختصار توضیح دهید؟
۲. احزاب سیاسی معاندی که در زمان امام علی علیه السلام بروز یافت را نام ببرید.
۳. سه رویداد مهم دوران امام حسن علیه السلام کدام است؟
۴. ویژگی مشترک دوران امامت امام علی و امام حسن علیهما السلام را بیان کنید.

جلسه دوم :

عصر ولایت امام حسین علیه السلام

اهداف:

۱. عصر ولایت امام حسین - صلوات الله علیه - و ویژگی های آن (از رمضان سال ۵۰ تا محرم سال ۶۱)

عصر امام حسین علیه السلام احیای تشیع یا اسلام محمدی صلی الله علیه وآله

بسترسازی قیام عاشورا از زمان معاویه شروع شد چنان که آن حضرت آشکارا به معاویه اعتراض می کرد و هیچ گاه نسبت به بیعت با یزید که از جانب معاویه دنبال می شد پاسخ نداد همچنین در منا صحابه را جمع کرده و برای آنان به ایراد سخنرانی روشنگرانه پرداخت اما مجموعه اقدامات آن حضرت در زمان معاویه ضمن روشنگری دارای برجستگی و بازتاب عمومی نیست.

برخی از مسائل جبهه علوی و اردوگاه اموی در این مقطع عبارتند از:

الف) اوضاع سیاسی فکری جبهه علوی

پشیمانی جمعی از عدم یاری امام مجتبی علیه السلام

از روی گردانی مردم نسبت به یاری امام مجتبی علیه السلام و مجبور شدن آن حضرت به صلح با معاویه خیلی گذشته بود که مردم با نگاه به جنایات معاویه از عملکرد خویش پشیمان شدند.

این پشیمانی از گذشته و توجه به امامان بود که پس از مرگ معاویه یاران وفاداری را بر امام حسین علیه السلام رقم زد.

۲. در تنگنای مالی قرارگرفتن مردم مدینه و عراق و محروم از درآمدهای بیت المال

کان و الیه (معاویه) المغیره بن شعبه یحبس العطاء والارزاق عن اهل الکوفه ... العقدالفريد ۲۵۹/۴-حیاء الامام الحسين علیه السلام ۱۲۵/۲

۳. قتل و محدودیت پیروان اهل بیت

امام باقر علیه السلام پیرامون ظلم بنی امیه فرمود: وكان عظیمُ ذلک و کبرُهُ زمن معاویه بعد موت الحسن «علیه السلام» فقتلت شیعتنا بكل بلدة وقطعت الایدی والارجل علی الظنّة و کان من یُذکر بحبنا و الانقطاع الینا سجن او نُهب ماله او هدمت داره ثم لم یزل البلاء یشدّ و یزداد الی زمان عبیدالله بن زیاد قاتل الحسین «علیه السلام» ... شرح نهج

البلاغه ابن ابی الحدید ۱۵/۳ و طبقات الکبری ابن سعد ۹۵/۵

ب) اوضاع سیاسی اجتماعی اردوگاه معاویه

۱. بهرمندی هواداران حکومت از ثروتهای فراوان

وَهَبَ معاویه خراج مصر لعمر بن العاص و جعله طعمه له مادام حیا

حیاء الامام الحسین علیه السلام ۱۲۷/۲

۲. شکار یاران امامان و خریدن آنان با پرداختهای بی حساب و گفت:

و الله لأستملین بالاموال ثقات علی و لأقسمن فیهم الاموال حتی تغلب دنیای آخرته ...

وقعه الصفین نصر بن مزاحم ۴۹۵ و شرح نهج البلاغه ۲۹۳/۲

از این کمک ها عباس بن عبدالمطلب و عبدالله بن جعفر بهرمنند می شدند.

۳. دامن زدن به شکاف های اجتماعی جهت سرگرم ساختن مردم

در باره معاویه نقل شده که : کان لایطیق ان یری رجلین ذوی خطر علی وفاق و کان التنافس الفطری بین ذوی

الاحطار مما یعینه الايقاع بهم حیاء الامام الحسین علیه السلام ۱۳۵/۲

۴. بی حرمتی به نام پیامبر صلی الله علیه و اله و اهل بیت

- در چهل جمعه از بردن نام پیامبر صلی الله علیه و اله پرهیز کرد که برخی از یارانش از وی پرسیدند گفت: لایمنعنی عن

ذکره انا ان تشمخ رجال بآتافها... حیاء الامام الحسین علیه السلام ۱۵۱/۲ به نقل از النصائح الکافیة ص ۹۷

- جعل اخبار از زبان پیامبر ص توسط ابی هریره الدوسی و سمره بن جندب و عمرو بن عاص و مغیره بن شعبه که

صدها حدیث جعل کردن علیه اهل بیت و در مدح بنی امیه از جمله ابو جعفر اسکافی نقل می کند معاویه چهار صد

هزار درهم به سمره داد تا روایتی جعل کند که ایه و من الناس من یعجبک قوله فی الحیاة الدنیا و یشهد الله علی

ما فی قلبه و هو ألد الخصام (۲۰۴ بقره) در مورد علی علیه السلام و ایه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله

و الله رؤف بالعباد (۲۰۷ بقره) در مورد ابن ملجم نازل شده و او پذیرفت.

۵. بخشنامه سراسری نسبت به سب علی علیه السلام کرد و در خطبه ای برای مردم شام گفت: پیامبر به من فرمود: انک

ستلی الخلفه من بعدی فاختر الارض المقدسه (الشام) فان فیها الابدال و قد اخترتکم فالعنوا ابا التراب حیاء الامام

الحسین ع ۱۶۰/۲ و شرح نهج البلاغه ۳۶۱/۳

و در صحیح مسلم نقل شده : فقد روی مسلم عن بکیر بن مسمار، عن عامر بن سعد بن أبی وقاص، عن أبیه قال:

أمر معاوية بن أبي سفيان سعداً فقال: ما منعك أن تسبّ أبا تراب؟ فقال: أمّا ما ذكرت ثلاثاً قالهنّ له رسول الله صلى الله عليه (وآله) و سلم، فلن أسبّه، لأن تكون لى واحدة منهنّ أحبّ إلىّ من حُمُر النّعم؛

سمعت رسول الله صلى الله عليه (وآله) و سلم يقول له: خَلَفَهُ فى بعض مغازيه فقال له علىّ: يارسول الله خَلَفْتَنى مع النساء والصبيان؟ فقال له رسول الله صلى الله عليه (وآله) و سلم: أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى، إلاّ أنّه لا نبيّ بعدى.

وسمعتة يقول يوم خيبر: لأعطينّ الراية رجلاً يحبّ الله ورسوله ويحبّ الله ورسوله، قال: فتناولنا لها، فقال: ادعوا لى عليّاً، فأتى به أرمداً، فبصق فى عينه ودفع الراية إليه، ففتح الله عليه،

ولمّا نزلت هذه الآية: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ...» دعا رسول الله صلى الله عليه (وآله) و سلم عليّاً وفاطمة وحسناً وحسيناً، فقال: «..اللّهُمَّ هؤُلاءِ أهلى...». (صحيح مسلم: ٧ / ١٢٠، ط القاهرة



عصر ولایت امام حسین و امام سجاد علیهما السلام

اهداف:

۱. عصر ولایت امام حسین علیه السلام و ویژگی های آن (از رمضان سال ۵۰ تا محرم سال ۶۱)

عصر امام حسین علیه السلام احیای تشیع یا اسلام محمدی صلی الله علیه وآله

حاکم شدن یزید بن معاویه

با به قدرت رسیدن یزید شرایط تغییر می کند چرا که یزید سه اقدام اساسی انجام می دهد که شرایط رویارویی معصوم با حاکم نابحق زمان خویش را تغییر می دهد؛ این سه اقدام عبارت است از:

۱. تظاهر علنی او به فاصله گرفتن از آیین اسلام

معاویه تلاش داشت اسلام را از مسیر اصلی خود منحرف کند از این رو در ظاهر ظواهر اسلام را حفظ کرده و سعی در استحاله و بدیل ساختن برای آن داشت اما یزید آشکارا عدم پایبندی خود را به اسلام به نمایش می گذاشت و حتی اهمیاتی به حفظ ظاهر هم نداشت.

۲. ارتکاب و ترویج آشکارای فساد توسط او و عمال حکومتی

فساد معاویه و اطرافیان او همواره پنهان و به دور از چشم عموم مردم و افکار عمومی بود و بلکه تلاش می کرد ظاهری آراسته از خود به نمایش بگذارد اما یزید آشکارا فسق و فجور خود را نشان می داد و از نظاره عموم بر خود ابایی نداشت.

۳. تلاش برای گرفتن بیعت از امام

معاویه اگر چه برای به حکومت رساندن یزید کوشش بسیاری انجام داد اما هیچ گاه به دنبال گرفتن بیعت از امام حسن یا امام حسین علیهما السلام برای یزید نبود اما یزید گمان می کرد که استحکام حکومتش این قدرت را به او داده است که امام معصوم علیه السلام را وادار به بیعت و اطاعت از خود کند.

ویژگی عصر امام حسین علیه السلام

یزید امام را بر سر دو راهی قرار داد؛ نخست آن که با او بیعت کند و به اطاعت او درآید و به عبارت صریح تر بندگی و بردگی او را بپذیرد و دوم آن که بدون آن شهادت را بپذیرد از این روست که قیام عاشورا شکل می گیرد که این قیام خود بستر قیام های بعدی را فراهم آورد و اسلام محمدی را دیگر بار احیا کرد. تلاش ۴۰ ساله معاویه برای تحکیم پایه های حکومت امویان با سبک سری یزید بر باد رفت و خلافتی که معاویه گمان می کرد قرن ها پس از او بماند به فاصله ای نه چندان بلند از میان برچیده شد و این ثمره قیام عاشورا بود.

عاشورا با تمام ابعاد، بازتاب ها و دستاوردهای آن رخ می دهد و دوران امام حسین - صلوات الله علیه - با شهادت مظلومانه و جانگذار آن حضرت و یارانش به پایان می رسد.

۲. عصر ولایت امام سجاد علیه السلام و ویژگی های آن (از محرم سال ۶۱ تا محرم سال ۹۲ یا ۹۵)

عصر امام علی بن حسین علیهما السلام دوره تبیین اجمالی اعتقادات تشیع و تثبیت شیعیان

پیش از پرداختن به این عصر دقت نظر مجدد به این نکته اساسی الزامی است که توجه به شرایط زمانی و مکانی هر امام معصوم ارزش و اصالت اقدامات ایشان را بر امت بیشتر روشن می نمایاند؛ اگرچه این درس در مقام بیان آن نیست.

نخست لازم است حاکمان غاصب و ظالم هم عصر با امام سجاد علیه السلام شناخته شود، حکمرانان معاصر آن حضرت عبارت اند از:

یزید (از رجب سال ۶۰ تا ربیع الاول سال ۶۴) و همزمان عبدالله بن زبیر در مکه و مدینه تسلط داشت (۶۱-۷۳)

معاویه فرزند یزید (سه ماه)

مروان بن حکم (سه ماه)

عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶)

ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶)

عصر امام سجاد علیه السلام عصر مواجهه با حاکمان غاصب و پرشماری است که بی مبالغه، آن به آن، شرایط را بر

امام تنگ گرفته و سخت می کنند. این حاکمان لحظه به لحظه در صدد قرار دادن امام در شرایطی سخت بودند که امام را از انجام وظایف الهی خود بازدارند؛ موقعیت امام در این عصر منحصر به فرد است و شاید نتوان ماندی در میان دیگر اهل بیت برای عصر آن حضرت جستجو کرد. امام در این عصر با وجود تمام موانع به بهترین وجه ممکن به وظایف خود عمل نموده و شیوه ای را پیش می گیرند که ندای امام را در این فضای خفقان بلند و رسا در فضا طنین انداز می کند و این شیوه همان بهره گیری از راهکار دعاست؛ و اگر چه اقدامات ایشان تنها به این شیوه خلاصه نمی شود اما این راهکار در میان اقدامات ایشان برجستگی ویژه ای دارد. امام زین العابدین - صلوات الله علیه - با سبک دعا انحرافات را که معاویه ایجاد کرده است بیان میدارد و فرّه و تالّو اسلام نبوی با سبک دعا دیگر باره بیان می دارد.

عصر امام سجّاد علیه السلام را می توان عصر ایجاد زیرساخت های مدرسه و مکتب صادقین علیهما السلام نامید. در واقع تلاشی که توسط حاکمان غاصب برای تحریف اسلام نبوی انجام شده بود در مقابل نسخه اصیل اسلام نبوی قرار گرفت چنان که رهجویان هدایت و حقیقت بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند. ژرف نگری صحیفه جامعه امام - نه صحیفه معروف - به روشنی آشکار می کند که نخست تحریفات شناسانده و تبیین شده و دوم بنیان های اصیل بیان شده است.

ویژگی های عصر امام علی بن حسین علیهما السلام

۱. در زمان آن حضرت هنگامی که زمینه آگاهی مردم از تحریفات معاویه در دین فراهم شد، امام سجّاد علیه السلام به تبیین حقیقت های تحریف شده دین در قالب دعا پرداخت.
۲. در این دوران در نگاه نخستین، تمامی شیعیان کمال یافته به شهادت رسیده اند، که در صورت استواری این تصویر، امام به تربیت شیعیان آماده پرداخته اند.
- ثمره تربیت این شیعیان را می توان در زمان امام باقر به نظاره نشست.
۳. تأسیس مدرسه اهل بیت برای تربیت فقیهان علوی - محمدی.
۴. تأسیس عزاداری بر شهیدان کربلا بویژه امام حسین علیه السلام و پایدارسازی عزاداری که همچنان این سنت حسنه پابرجاست.
۵. واکنش خاص امام ع در برابر قیام ها عصر خویش مانند قیام حرّه، مختار و توابین

در عصر امام سجّاد علیه السلام سه قیام مهم در مدینه و کوفه است:

۱. قیام حرّه - قیام مردم مدینه در مقابل یورش و قتل عام مردم توسط نیروهای یزید نقطه عطفی در تاریخ زندگی

آن حضرت است چرا که بنا بر اسناد تاریخی نه سند دال بر مخالفت امام با این قیام وجود دارد که می تواند تأکیدی بر تأیید ضمنی این قیام باشد و نه همراهی آشکاری از امام دیده می شود چرا که بصیرت امام فرجام قیام را بر آن حضرت عیان می داشت و آن حضرت واقف بود که همراهی علنی ایشان با قیام فرصتی در اختیار مخالفان قرار می دهد که امام را از صحنه حذف نمایند در حالی که شرایط مشابه شرایط عاشورا نبود که شهادت آن امام خط سیر امامت را ادامه دهد و چه بسا ممکن بود قتل عام تمامی اهل بیت و فرزندان آن حضرت خط سیر اسلام محمدی را متوقف سازد.

در خصوص این قیام توجه به نکته ای الزامی است که پس از پایان قیام در برخی از منابع شیعه همچون روضه کافی مرحوم کلینی و در غالب منابع اهل سنت گزارشی نقل شده است که آن امام با یزید و در برخی منابع با مسلم بن عقبه بیعت کرده و بردگی یزید را پذیرفته است.

در یکی از این گزارش ها آمده است که در دیدار امام با یزید، او از امام تقاضای بردگی می کند و امام برای زنده ماندن - معاذ الله - این بردگی را پذیرفته است و در گزارش های دیگر چنین پیمانی با مسلم بن عقبه گزارش شده است در حالی که این گزارش به یقین دروغ است و بر بافته مخالفان است.

اما علیرغم عدم همراهی با قیام، آن حضرت هرگز تسلیم یزید یا مسلم را نشد و طبق گزارش مسعودی که هم سو با قرآن و با دیگر روایات صحیح است آن حضرت را به اجبار و همچون جد بزرگوارشان حضرت امیرمؤمنان ع به نزد مسلم بن عقبه برند. مسلم تصمیم به تهدید و ارعاب امام داشت اما هنگامی که در مقابل امام قرار گرفت توان واکنش را از دست داد و بعد از لحظاتی با اشاره خواستار خروج امام می شود. از او سوال می کنند که تو اینقدر تهدید کردی چگونه هیچ نگفتی که او پاسخ می دهد من هنگامی که هیبت امام را دیدم توان صحبت از من سلب شد.

شهادت امام سجاد علیه السلام

شهادت امام سجاد علیه السلام در سال ۹۵ هجری (البته سال های ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۹ و ۱۰۰ نیز برای شهادت آن حضرت ذکر شده است) و در روز ۲۵ محرم (در برابر نقل های دهم، دوازدهم، هجدهم، بیست و دوم و بیست و نهم محرم، اول صفر، چهاردهم ربیع الاول و هفتم ذیحجه) واقع شده است.

اما بحث هر یک از امامان علیهم السلام

امامت امام مجتبی علیه السلام

• تصدی امامت بیعت مردم

در امامت امام مجتبی علیه السلام علاوه بر روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام (ص) پیرامون خلفایی من قریش و اهل بیت آمده از جمله

الحسن و الحسين امامان قاما او قعدا ارشاد مفید ۲۲۰ و کشف الغمه اربلی ۱۵۹/۲

و قوله (ص): هو سيد شباب اهل الجنة و حجة الله على الامم امره امری و قوله قولی من تبعه فانه منی و من عصاه فانه ليس منی

امالی صدوق ۱۰۱ و ینابیع الموده ۴۱

علی علیه السلام در جهت معرفی سبط اکبر و محبوب جامعه برخی از امور مهم کشور را به امام مجتبی علیه السلام می کردند مانند

(۱) حضور در جمع مردم کوفه و روشنگری نسبت به نماز تراویح

ولما قدم أمير المؤمنين عليه السلام الكوفة أمر الحسن بن عليّ عليهما السلام أن يُنادي في الناس:

لا صلاة في شهر رمضان في المساجد جماعة، فنادى الناس الحسن بن عليّ عليه السلام بما أمره أمير المؤمنين عليه السلام، فلما سمع الناس مقالته الحسن ابن عليّ صاحوا: واعمره واعمره، فلما رجع الحسن إلى أمير المؤمنين عليهما السلام قال له: ما هذا الصوت؟ فقال: يا أمير المؤمنين الناس يصيحون: واعمره واعمره، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: «قل لهم صلوا»

امام علیه السلام به جماعت خواندن نماز مستحبی را ابتداء رد کردند ولی در شرایط خاص بر اساس مصالح مهمتری مخالفت نکردند.

التهدیب للشیخ الطوسی: ۳/ ۶۹ - ۷۰

(۲) دستور علی علیه السلام به امام مجتبی علیه السلام (سبط اکبر و محبوب مردم) برای سخنرانی در جمع مردم کوفه بعد از قضیه ی حکمیت و سرخوردگی مردم از وضع پیش آمده

امام مجتبی علیه السلام بر بالای منبر رفتند و فرمودند: ایها الناس قد اکثرتم فی هذین الرجلین و انما بعثنا لیحکما بالکتاب علی الهوی فحکما بالهوی علی الکتاب و من کان هکذا لم یسّم حکما و لکنّه محکوم علیه قد اخطاء عبد بن قیس (یعنی ابوموسی الاشعری) اذ جعلها لعبد بن العمر فاخطاء فی ثلاث خصال :

واحدة أنّه خالف اباه اذ لم یرضه لها و لا جعله من اهل الشوری

و اخرى انه لم يستأمره في نفسه

و ثالثها انه لم يجمع عليه المهاجرون و الانصار الذين يعقدون الاماره و يحكمون بها على الناس

و اما الحكومه فقد حكم النبي صلى الله عليه و اله سعد بن معاذ في قريضه فحكم بما يرضى الله به و لاشك لو خالف لم يرضه رسول الله

حياة الامام الحسين ع ١ / ٥٣٠ تا ٥٣٢

(٣) تقويت روحيه رزمندگان صفين

درحاليكه در لشكر شخصيت هايي همچون عمار بن ياسر ، سهل بن حنيف ، مالك اشتر ، قيس بن سعد و عدی بن حاتم و هاشم بن عتبہ حضور داشتند از امام مجتبی عليه السلام خواسته شد سخنرانی کند و ایشان خطبه بلیغی ایراد کردند از جمله :

فاحتشدوا في قتال عدوكم معاويه و جنوده فانه قد حضر و لاتخاذلوا فان الخذلان يقطع نياط القلب و ان الاقدام على الأستة نجدة و عصمه لأنه لم يمتنع قوم قط أأ رفع الله عنهم العلة و كفاهم حوائج الذلة و هداهم معالم الملة

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد ٢٨٣/١

(٤) برخی از مردم کوفه فکر می کردند امام مجتبی عليه السلام ناتوان در استدلال است هنگامی که امام علی عليه السلام این اتهامات را شنیدند از امام مجتبی عليه السلام خواستند خطابه ای داشته باشند و ایشان خطابه ای بلیغی ارائه کردند . که با عبارت ایها الناس اعقلوا عن ربکم ان الله عزوجل اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین..شروع کردند و با نکات بلیغی به جایگاه اهل بیت و شجره ی زیتونه در قرآن اشاره کرده و فرمودند : نحن والله ثمره تلك الشجرة فمن تعلق بغصن من اغصانها نجا و من تخلف عنها فالی النار هوی ...

پس از خطابه ایشان ، علی عليه السلام بر منبر بالا رفته و فرمودند :

يا بن رسول الله اثبت على القوم حجتك و اوجبت عليهم طاعتك فويل لمن خالفك

بحار الانوار ٣٥٨/٤٣

(٥) نامه ای که در منطقه ی حاضرین جنگ صفین به امام مجتبی عليه السلام نوشتند و در نهج البلاغه نامه شماره ٣١ آمده است این نامه ١٦ صفحه و دارای نکاتی از قبیل معنوی ، سیاسی اجتماعی و مدیریتی است که برخی از آن ها عبارتند از :

- توجه دادن به دنیای فانی و جایگاه پدر و پسر در بهره بردن از عبرتها
- توجه به تقوای الهی و زنده داشتن قلب به یاد خدا و مراتب معنوی
- حق مداری و بصیرت افزایی همراه با تدبیر و خدا اندیشی
- خدا باوری و توجه به فرامین پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله
- رعایت انصاف و حقوق اجتماعی دیگران با شاخص سنجه خویش

يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَاحْبِبْ لغيرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا، وَلَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ احْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اَرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَ اِنْ قُلَّ مَا تَعْلَمُ وَ لَا تَقُلْ مَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ

- پرهیز از خودپسندی و خود محوری
- درارتباط و نیایش با خدا خویش کوشا باش
- تفویض امور به خداوند همراه با تلاش مستمر و درخواست هدایت الهی
- زیاد به یاد مرگ و آماده رحیل بودن
- سرسپرده ی دیگری نباش خدا تورا حر آفریده
- در سرفرازی خانواده ات کوشا باش
- در طلب روزی به قدری در تلاش باش که آخرتت آسیب نبیند
- دین و دنیایت را به خدا بسپار

درس چهارم

آغاز امامت امام حسن علیه السلام

هدف: ملاحظه و تحلیل رویدادهای سال اول امامت امام حسن علیه السلام

امام مجتبی علیه السلام پس از شهادت علی علیه السلام خطبه ای خوانده و اعلام کردند در این شب که یوشع بن نون وصی حضرت موسی بدرود حیات گفت ، عیسی بن مریم علیه السلام عروج کرد و قرآن نازل گشت ، علی علیه السلام به دیار باقی شتافت و فرمود:

«ألا إنه قد مضى في هذه الليلة، رجل لم يدرکه الأولون، ولن یری مثله الآخرون. من كان یقاتل وجبرئیل عن یمینه

وَمِكَائِيلَ عَنْ شِمَالِهِ... أَلَا وَإِنَّهُ مَا خَلْفَ صَفْرَاءَ وَلَا بِيضَاءَ إِلَّا سَبْعُمَائَةٌ دَرَاهِمَ فَضَلْتِ مِنْ عَطَائِهِ، أَرَادَ أَنْ يَبْتَاعَ بِهَا خَادِمًا لِأَهْلِهِ».

آن گاه آن حضرت گریست و مردم نیز گریستند و ادامه دادند: أَنَا ابْنُ الْبَشِيرِ وَأَنَا ابْنُ النَّذِيرِ وَأَنَا ابْنُ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَأَنَا ابْنُ السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ وَأَنَا ابْنُ الَّذِي أُرْسِلَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَأَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَأَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ وَوَلَّيْتَهُمْ فَقَالَ فِيمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا سَوْرَةُ سُورَى آيَةُ (۳۳) فَالْحَسَنَةُ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .

ارشاد مفید ۱۴/۶ و امالی شیخ طوسی

بیعت با امام حسن علیه السلام

پس از صحبت امام حسن علیه السلام، عبید الله بن عباس مردم را جهت بیعت آن حضرت ترغیب کرد و اعلام نمود :
معاشر الناس هذا ابن نبيكم و وصى امامكم فبايعوه...

مردم از این دعوت به بیعت استقبال کردند و اظهار وفاداری و رضایت کردند و اعلام داشتند:

ما احببنا و اوجب حقه علينا و احقه بالخلافة مقاتل الطالبين ص ۳۴

بیعت در روز جمعه ۲۱ ماه رمضان سال ۴۰ هجری انجام شد ارشاد ۱۵/۴

اقدامات امام حسن علیه السلام در اولین روزهای امامت

(۱) ساماندهی کارگزاران حکومت

(۲) سران لشکر را تعیین کردند

(۳) عبد الله بن عباس را به بصره اعزام نمودند . مقاتل الطالبين ۱۶

(۴) مستمری رزمندگان را افزایش دادند این عمل امام سستی شد که خلفای دیگر نیز تبعیت کردند.

(۵) قصاص قاتل علی علیه السلام

ابن ملجم از امام مجتبی علیه السلام در مورد دستور علی علیه السلام نسبت به او سوال کرد امام فرمودند :

أمرنی ان لا اقتل غیر قاتله و آن اشبح بطنک و أنعم وطأک (به تو احسان کنم) تاریخ طبری ۸۶/۶

عوامل و زمینه های صلح

پس از شهادت علی علیه السلام معاویه در جهت استیلا بر سرزمین بزرگ اسلامی دنبال کسب اطلاع از تصمیم های امام حسن علیه السلام جاسوسانی به عراق گسیل داشت.

امام مجتبی علیه السلام از توطئه معاویه مطلع و جاسوسان را شناسایی و اعدام کردند.

مقاتل الطالبین ص ۳۳

۱) معاویه به دنبال تسلط بر عراق

معاویه با حدود ۳۰ سال حکومت در شام به دنبال تسلط بر عراق و همراه سازی امام مجتبی علیه السلام بود تا اسلام را از راه خود منحرف کند و جانشینی پیامبر(ص) را تصاحب کند که شایسته آن جایگاه نبود.

۲) تدابیر امام علیه السلام

ابوالفرج می نویسد امام مجتبی علیه السلام طی ۵ نامه به معاویه ضمن گوشزد کردن حقایق از وی خواستند به مسیر واقعی اسلام بازگردد در بخشی از آخرین نامه امام آمده :

إتق الله ودع البغی و احقن دماء المسلمین فوالله مالک خیر فی ان تلقی الله من دمائهم باکثر مما انت لاقیه به و ادخل فی السلم و الطاعة و لا تنازع الامر اهله و من هو احق به منك لیطفی الله النائرة بذلک مقاتل

الطالبین ص ۵۵

ولی معاویه در پاسخ امام علیه السلام چنین نوشت:

قد علمت انی اطول منك ولایة

و اقدم منك بهذه الامة تجریة

و اکبر منك سنا

فانت احق ان تجیبنی الی هذه المنزلة الی سالتنی فادخل فی طاعتی و لک الامر من بعدی و لک ما فی

بیت مال العراق من مال بالغما ما بلغ تحمله الی حیث احببت..

شرح نهج البلاغه ۱۳/۴

۳) لشکر کشی معاویه

امام علیه السلام اطلاع یافتند معاویه با لشکری شصت هزار نفره به سوی عراق حرکت کرد امام مجتبی علیه

السلام اقدام به سخنرانی در جمع مردم کوفه کردند و فرمودند :

إنَّ الله كتب الجهاد علی خلقه و سماه کرها ثم قال لاهل الجهاد من المؤمنین (اصبروا... انَّ الله مع الصابرين) فلستم

ایها الناس نائین ما تحبون ألاً بالصبر علی ما تکرهون أنه بلغنی انَّ معاویه بلغه انا کنا از معنا المسیر الیه فتحرک

لذلك فاخرجوا رحمكم الله الى معسكركم بالنخيله فسكتوا اعيان الشيعة ١٩/٤

٤) ساختار اعتقادی لشکر امام حسن علیه السلام

الف: ظاهرالصلاح یا مقدس نماهای

افراد زیادی بودند از خوارج که توبه کرده بودند ولی نسبت به پیروی از ولی خدا مذبذب بودند.

ب: منافقان

آنانکه سلم در مقابل امام نبودند ، در ظاهر در لشکر ولی خدا بودند ولی دل در گرو حکومت و کسب جایگاه های مادی هرچند زیر پرچم معاویه داشتند

ج: جمعیت بی بصیرت و متحیر

این گروه نیز در لشکر ولی خدا همیشه مشکل ساز بودند در جنگ صفین با قرآن سر نیزه کردن معاویه و یا شایعه پراکنی و یا تطمیع ، دست از یاری امام حق بر داشتند

د: مؤمنان راستین و خالص مانند حُجر بن عَدِي و عمرو بن حَمِق که در اقلیت بودند

این تمایلات مختلف و جهت دار زمینه ی مناسبی برای سرمایه گذاری معاویه بود که با سلاح تطمیع ، تحقیر، شایعه های مختلف از نقاط ضعف افراد سوء استفاده کند و یاران امام را تضعیف روحیه و بین آنان تفرقه ایجاد کند.

امام مجتبی علیه السلام این افراد را خوب شناخته بودند که فرمودند:

... و کنتم فی مسیرکم الی صفین و دینکم آمَامَ دنیاکم و اصبحتم الیوم و دنیاکم آمَامَ دینکم و انتم بین قتیل بصفین تبکون علیه و قتیل بالنهروان تطلبون بثاره ...

کتاب صلح الامام الحسن علیه السلام ص ٧٠ به نقل از الملاحم والفتن سید بن طاووس

٥) خیانت خواص

امام مجتبی علیه السلام تمام تدابیر را برای موفقیت لشکر پیش بینی کرده بودند در اعزام سپاه خویش به عبیدالله بن عباس توصیه فرمودند :

یا بن عمّ ائی باعث معک اثنی عشر الفا من فرسان العرب و قراء مصر الرجل منهم یزید الکتیبه فسر بهم وآن لهم جانبک و ابسط لهم وجهک و افرش لهم جناحک و ادنهم من مجلسک فانهم بقیة ثقات امیرالمومنین

- و سر بهم علی شط الفرات ثم امض حتی تستقبل بهم معاویه فان انت لقیته فاحتبسه حتی آتیک فانی علی اثرک وشیکا

- و لیکن خبرک عندی کل یوم

- و شاور هذین قیس بن سعد و سعید بن قیس

- اذا لقیمت معاویه فلا تقاتله حتی یقاتلک فان فعل فقاتله

- و ان اصبت فقیس بن سعد علی الناس فان اصیب فسعید بن قیس علی الناس

حیاء الامام الحسن علیه السلام ۷۶/۲

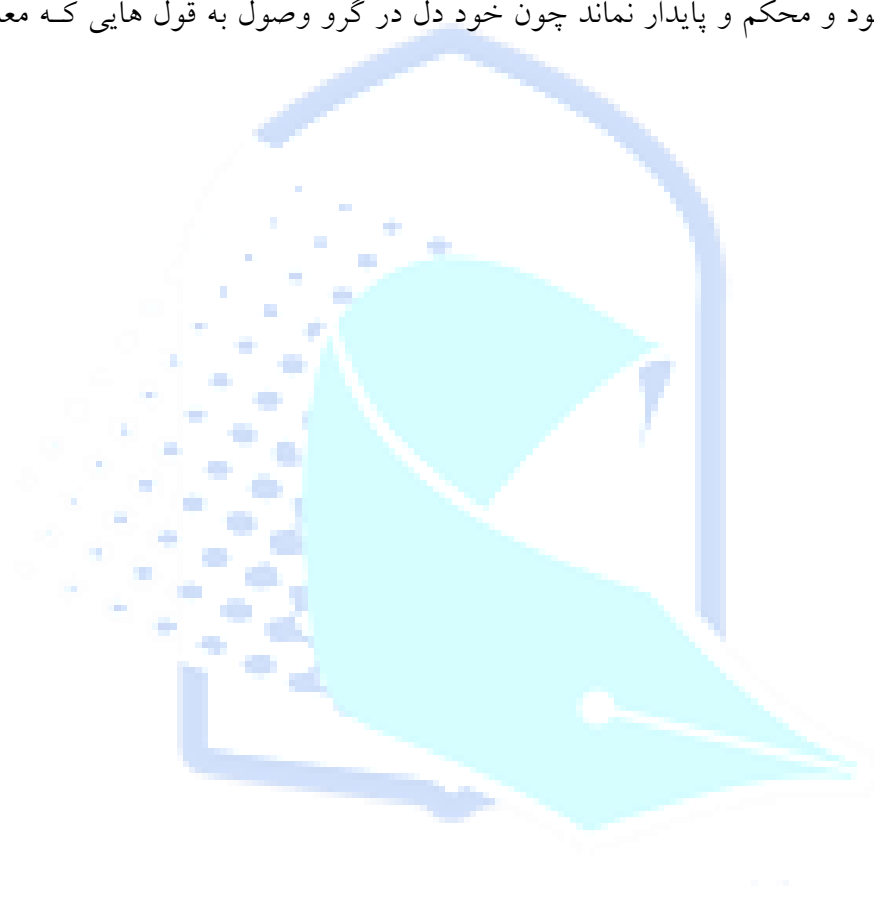
با رسیدن لشکر به مسکن^۱ شایعات معاویه که انّ الحسن یکاتب معاویه علی الصلح فلیم تقتلون انفسکم؟

شرح نهج البلاغه ۴۲/۱۶

موجب اختلاف در لشکر امام شد و عبید الله بن عباس مدیریت نکرد و از تضعیف روحیه لشکر

جلوگیری ننمود و محکم و پایدار نماند چون خود دل در گرو وصول به قول هایی که معاویه داده بود

داشت.



محلّی نزدیک اوانا نزدیک نهر الدجیل شهر بلد عراق است محل درگیری عبدالملک بن مروان و مصعب بن زبیر در سال ۷۲ هجری قمری است.^۱

• چرخش عبید الله بن عباس

معاویه با ارسال نامه‌ی خاص به عبید الله بن عباس و یک میلیون درهم، عبید الله بن عباس را با آنکه دو فرزندش توسط بسر بن ارطاء از فرماندهان معاویه کشته شده بودند به چرخش از یاری امام حسن مجتبی علیه السلام به عنصری در اختیار معاویه قرار داد.

وقتی لشکریان ملاحظه کردند فرماندهی آنان خیانت کرده بین آنان اختلاف شد که قیس بن سعد بن عباده به پا خاست و در جمع یاران امام اظهار داشت:

ایها الناس لایهولنکم و لا یعظمن علیکم ماصنع هذا الرجل المولّه ان هذا و اباه و اخاه لم یأتوا بیوم خیر قط ان اباه عم رسول الله (ص) خرج یقاتله ببدر فاسره ابوالیسرکعب بن عمرو الانصاری فاتی به رسول الله فأخذ فداه فقسّمه بین المسلمین و ان اخاه و لاه علی البصره فسرق ماله و مال المسلمین فاشتری به الجواری و زعم ان ذلك له حلال و ان هذا و لاه علی الیمن فهرب من بسر بن ارطاء و ترک و لده حتی قتلوا و صنع الان هذا الذی صنع مقاتل الطالبین ۳۵

• ریزش فرماندهان و رزمندگان جبهه مسکن

با فرار عبید الله بن عباس جمع زیادی از فرماندهان به معاویه پیوستند تا آنجا که یعقوبی مینویسد: آنه (معاویه) ارسل الی عبید الله بن عباس و جعل له الف الف درهم فصار الیه فی ثمانیه الف من اصحابه و اقام قیس بن سعد علی محاربتہ

صلح امام الحسن ص ۸۰

از لشکر دوازده هزار نفر در مسکن دو سوم، هشت هزار نفر به معاویه پیوستند

• سایه خیانت عبید الله بن عباس بر لشکر در مدائن

برای تضعیف روحیه و به تسلیم کشیدن نیروهای مدائن شایعات مختلفی درمورد مصالحه یا کشته شدن قیس بن سعد را ساختند و این شایعات اثر گذاشت تا آنجا که: ...الا ان قیس بن سعد قد قتل فانفروا، فانفروا بسرادق الحسن فنهبوا متاعه فنازعوه بساطاً تحته فازداد لهم بغضاً و منهم ذعراً و دخل المقصورة البيضاء فی المدائن

تاریخ ابن اثیر ۲۰۳/۳

۶) ایجاد نا امنی در اردوگاه امام حسن علیه السلام

با مطالعه و برنامه ریزی که معاویه در مورد روحیات یاران و اردوگاه امام کرده بود از وجود افراد بی انگیزه ، بی بصیرت و راحت طلب و یا ترسو بیشترین استفاده را کرد و با تولید شایعات روحیه ها را تضعیف و اردوگاه امام را نا امن کرد .

طی نامه های جداگانه برای یاران امام مجتبی علیه السلام از آنان خواست تا امام مجتبی علیه السلام را ترور کنند:
إن معاویه دسّ الی عمرو بن حرث و الأشعث بن قیس و حجار بن ابجر و شبت بن ربیع دسیسا افرء کل واحد منهم بعین من عیونه انک اذا قتلت الحسن فلک مائه الف درهم و جنده من اجناد الشام و بنت من بناتی ... فبلغ الحسن علیه السلام ذلک فاستلأ و لبس درعاً و سترها و کان یحترز و لا یتقدم للصلاة الا کذلک فرماه احداهم فی الصلاة بسهم فلم یثبت فیه لما علیه من اللامه . اعیان الشیعه ۲۲/۴

فلما صار فی مظالم ساباط ضربه احدهم بخنجر مسموم فعمل فیه الخنجر
سفینه ۶۸۲/۱

فلما مرّ فی مظالم ساباط بدر الیه رجل من بنی اسد یقال له الجراح بن سنان ... ثم طعنه (یعنی الحسن) فی فخذہ فشقه حتی بلغ العظم... الارشاد ۱۹۰
و طعنه بخنجر فی اثناء الصلاة ینابیع الموده ۲۹۲

قابل یادآوری است شبت بن ربیع از فرماندهان مورد توجه علی علیه السلام در جنگ صفین بوده و در سه هیئت اعزامی آن حضرت به سوی معاویه حضور داشته .
سفینه البحار ۶۸۱ / ۱

متن صلح نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما صالح عليه الحسن بن علي بن أبي طالب معاوية بن أبي سفيان، صالحه علي أن يسلم إليه ولايته المسلمين

- ١) علي أن يعمل فيهم بكتاب الله وسنة رسول الله،
- ٢) وليس لمعاوية أن يعهد إلى أحد من بعده عهداً،
- ٣) علي أن الناس آمنون حيث كانوا من أرض الله تعالى في شامهم ويمنهم وعراقهم وحجازهم.
- ٤) علي أن أصحاب علي وشيعته آمنون على أنفسهم وأموالهم ونسائهم وأولادهم حيث كانوا،
- ٥) وعلى معاوية بذلك عهد الله وميثاقه علي أن لا يبغى للحسن بن علي ولا لأخيه الحسين ولا لأحد من أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله غائلة سوء سرّاً وجهراً، ولا يخيف أحداً في أفق من الآفاق. شهد عليه بذلك فلان وفلان، وكفى بالله شهيداً.

ابن صباغ المالكي، الفصول المهمة: ١٦٣

ولما تمّ الصلح صعد معاوية المنبر وقال في خطبته: إني والله ما قاتلتكم لتصلوا ولا لتصوموا، ولا لتحجوا ولا لتزكوا، إنكم لتفعلون ذلك، ولكني قاتلتكم لأنتم علىكم، وقد أعطاني الله ذلك وأنتم كارهون. ألا وإني كنت منيت الحسن وأعطيته أشياء وجميعها تحت قدمي هاتين لا أفي بشيء منها له الارشاد للمفيد: ١٩١.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های مقاتل الطالبیین ابوالفرج و صلح الحسن للشيخ راضی آل یاسین مراجعه نمائید.

پرسش ها

١. امام حسن علیه السلام در بیعت و اداره جامعه بر چه اموری تکیه داشتند؟
٢. چرا تدابیر امام مجتبی علیه السلام در مقابل توطئه های معاویه کارساز نشد؟
٣. رویکرد امام مجتبی علیه السلام در صلح با معاویه چه بود؟

درس پنجم

تحلیل صلح و پی آمدهای آن

هدف: تحلیل و بررسی صلح و پی آمدهای آن در دو جبهه امام «ع» و معاویه

آیا صلح خلع سلاح معاویه بود یا کمک به خواسته های او؟

در حقیقت حکمت امام مجتبی علیه السلام اقتضا می کرد آنچه حضرت در نبرد به دست نمی آوردند را در صلح به دست آورند.

معاویه سرمست از موفقیت ایجاد شکاف در اردوگاه امام و تحمیل صلح بود ولی امام با تدبیر شرایطی را در صلحنامه گنجانده که معاویه مجبور بود بپذیرد از این رو صلح کمکی به تمامیت خواهی های صفر تا صد او نکرد و امام می دانستند او به شرایط صلح عمل نمی کند ولی همیشه تاریخ عمل کرد معاویه زیر سؤال قرار گرفت.

۱) صلح افشاگر واقعیت همه اطراف بود

* در جبهه امام آزمون سختی برای شناخت سره از نا سره، وفادار از خود فروخته به عمل آمد امام نیز با ملاحظه همه شرایط جهت حفظ کیان اسلام و تشیع برای دوره ای مناسبتر و اعلام شرایطی، صلح را پذیرفتند.

* در طرف امویان مردم بی خرد و فریفته به دنیا، گول معاویه و امویان را خوردند و بر امام عادل بغی و طغیان کردند.

شخص معاویه که با نیرنگ و تزویر و دفاع از خون عثمان چند جنگ بر مسلمانان تحمیل کرده بود پس از صلح مشروط امام و امضاء و تأیید آن، بر منبر بالا رفت و گفت: انی ما قاتلتکم لتصوموا و لالتصلوا... و انما قاتلتکم لانتأمر علیکم قد اعطانی الله .. تاریخ یعقوبی ۱۹۲/۲

مردم باشنیدن این سخن پرده تزویر و نیرنگ معاویه را که طی سالها و با ریختن خون پاکانی بسیار حفظ کرده بود و خود را امیرالمؤمنین می دانست تا حد یک پادشاه کنار رفت.

۲) امام با صلح خویش شعار صلح خواهی را از معاویه گرفتند.

معاویه طی چند مکاتبه با امام خود را صلح طلب و مسالمت جو معرفی می کرد و همیشه چهره خشن و واقعی خود را پشت اینگونه شعارها مخفی می کرد.

اگر نبرد بین امام و معاویه واقع می شد و بر فرض محال (با ملاحظه شرایط طرفین) امام پیروز می شدند بنی امیه با مظلوم نمایی از او امام عادل، صلح طلب و مظلوم می ساختند و امام را نکوهش می کردند همانگونه که در قضیه قتل عثمان بدون آنکه علی علیه السلام نقشی داشته باشند با چهره مدافع خون

عثمان و پیگیر حق خلیفه مظلوم و مقتول چه هزینه هائی بر امت اسلامی تحمیل کردند. و اگر امام مغلوب می شدند (که تقریباً قطعی بود) می گفتند چرا امام فرصت صلح را دست داد و خون مسلمانان را هدر داد او بر امیر المؤمنین! صلح طلب خروج کرد و باغی است و خون او و همفکران و اهلیتتش هدر است و تازه بهانه ای می یافتند تا همه پیروان علی علیه السلام را قلع و قمع کنند.

۳) اقتضاء شرائط ، صلح امام حسن و قیام امام حسین علیهما السلام بود

هرچند معاویه در دوره بیست سال حکومت خود (تا امامت امام حسن علیه السلام) در شام ميسوط الید بود و آزادانه هر کاری می خواست انجام می داد ولی برای ادامه حکومت و پادشاهی خویش راهی جز حفظ برخی از ظواهر نداشت و با ظاهر سازی بسیاری از اقدامات خویش را تحت لوای دین انجام می داد و اگر امام به گزینه جنگ می پرداخت او تمام یاران امام و ارادتمندان علی علیه السلام را از پیش رو بر می داشت و دیگر فرصتی برای جبهه حق باقی نمی ماند تا در دوره دیگر قیام کند در عین حال معاویه مجبور به رعایت برخی از شرائط صلح بود.

ولی در دوره امام حسین علیه السلام و روی کار آمدن یزید شرائط فرق می کرد چون یزید به اولیات فرامین دینی عمل نمی کرد و متظاهر به فسق بود در اینجا دیگر درنگ جایز نبود و امام برای حفظ اساس دین و با اطلاع از اینکه نهایت این قیام شهادت در راه خداست برای حفظ اساس دین و لایروبی شریعت از بدعتها و افزوده های بنی امیه راهی جز قیام نداشتند زیرا لایه های بدعت ها آن قدر ضخیم شده بود که فقط خون مظلوم محبوبی مثل امام حسین علیه السلام می توانست کنار زند و این شوک را به جامعه وارد کند تا آنجا که یزید در جلسه جشن پیروزی بر امام حسین علیه السلام مجبور به فرافکنی شد و این گناه بزرگ را به گردن ابن زیاد انداخت.

پی آمدهای صلح

الف در جبهه امام حسن علیه السلام

۱) بحران روانی یاران جان برکف

جمعی از اصحاب و خواص امام چون به جز نبرد با معاویه نمی اندیشیدند و جان بر کف منتظر جنگ بودند از پذیرش صلح توسط امام دچار حیرت شدند و نمی دانستند چگونه با صلح با معاویه کنار بیایند تا آنجا که برخی بر اقدام امام خرده گرفتند و یا با امام به درشتی سخن گفتند ولی امام با صبر و بردباری هرکدام را به نحوی توجیه و راهنمایی کردند از جمله:

*قیس بن سعد بن عباده : او که از یاران امام علی علیه السلام و والی سابق مصر بود از واقعه صلح بسیار متأثر شد و در مقابل دعوت نامه معاویه نوشت: لا والله لاتلقانی الا بینى وبينک السیف او الرحم...

*حجر بن عدی: که از اصحاب پیامبر و علی علیهما السلام بود به امام حسن علیه السلام عرضه داشت کاش روز صلح همگی ما مرده بودیم انا رجعنا راغمین بما کرهنا و رجعوا مسرورین بما احبوا

امام حسن علیه السلام به او فرمودند: لیس کل انسان یحب ما تحب و رایه کرایک و انی لم افعل ما فعلت الا ابقاءً علیکم و الله تعالی کل یوم هو فی شأن...

شرح نهج البلاغه ۱۵/۱۶

*عدی بن حاتم: به امام عرض کرد... اخرجتنا من العدل الی الجور فترکنا الحق الذی کنا علیه و دخلنا فی الباطل الذی کنا نهرب منه

امام به او فرمود: یا عدی انی رأیت هوی معظم الناس فی الصلح و کرهوا الحرب فلم أحب ان احملهم علی ما یکرهون فرأیت دفع هذه الحروب الی یوم ما فان الله کل یوم هو فی شأن...

حیة الامام الحسن ۲/۲۷۴

از این که امام مجتبی علیه السلام به خواص اصحاب همچون عدی بن حاتم و حجر بن عدی و ... می فرمودند فان الله کل یوم فی شأن.. به نوعی اشاره می کردند که وظیفه حالی ما صلح است ولی لامحاله تفکر اسلام ناب نمی تواند با اسلام اموی کنار بیاید و روزی نبرد بین این دو جبهه اتفاق خواهد افتاد .

و افراد دیگری همچون مسیب بن نجبه و سلیمان بن صرد خزاعی نیز سخنان مشابهی گفتند و امام هر کدام را به نحو مقتضی راهنمایی کردند گاهی در جمع به توجیه گروهی می پرداختند بدیهی است رهبری و هدایت کسانی که از فرهنگ دیگری درس آموخته اند ساده نیست بویژه مردم کوفه که در دوران علی علیه السلام نیز واکنش نشان دادند چنانکه خود حضرت در ضمن خطبه‌ای، این حقیقت را تشریح می کند و به صورت مفصل به آن می پردازد که برای حفظ وحدت مجبور به کنار آمدن با برخی از واردات در دین که در دوره‌های قبل انجام شده می باشد:

* «فَقَالَ قَدْ عَمِلْتَ الْوَلَاءَ قَبْلِي أَعْمَالًا خَالَفُوا فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ مُتَعَمِّدِينَ لِخِلَافِهِ، نَاقِضِينَ لِعَهْدِهِ، مُغَيِّرِينَ لِسُنَّتِهِ، وَ لَوْ حَمَلْتُ النَّاسَ عَلَى تَرْكِهَا وَ حَوَّلْتُهَا إِلَى مَوَاضِعِهَا وَ إِلَى مَا كَانَتْ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ لَتَفَرَّقَ عَنِّي جُنْدِي حَتَّى أَبْقَى وَ حِدِي أَوْ قَلِيلٌ مِنْ شِيعَتِي الَّذِينَ عَرَفُوا فَضْلِي وَ فَرَضَ إِمَامَتِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ... فَتَنَادَى بَعْضُ أَهْلِ عَسْكَرِي مِمَّنْ يُقَاتِلُ مَعِي يَا أَهْلَ الْإِسْلَامِ غَيَّرْتَ سُنَّةَ عَمَرَ يَنْهَانَا عَنِ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَ لَقَدْ خِفْتُ أَنْ يَثُورُوا فِي نَاحِيَةِ جَانِبِ عَسْكَرِي مَا لَقِيتُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنَ الْفُرْقَةِ وَ طَاعَةِ أَيْمَةِ الضَّلَالَةِ وَ الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ».

الكافي، روضه ص ۶۰

۲) برنامه ریزی جهت حفظ یاران و تربیت یاران جدید

* امام به مدینه باز می گردند

انتخاب مدینه و همجواری حرم نبوی می توانست زمینه بهتری را برای جذب یاران جدید فراهم کند بویژه آنکه بسیاری از سراسر مناطق اسلامی برای زیارت خانه خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و اله به مدینه می آمدند و حضور اصحاب و تابعین در این شهر جایگاه مرجعیت دینی داشت.

* پرورش و رشد افراد مستعد چون حسن مثنی ، مُسیب بن نجبه، سوید بن غفله، علاء بن عبدالرحمن ، شعبی، مبیّر بن برکم، اصبع بن نباته و جابر بن خلدو....

تاریخ ابن عساکر ج ۱۲ حدود ۲۰ نفر از پرورش یافتگان خدمت امام حسن علیه السلام را نام می برد.

۳) حضور مشفقانه در صحنه های مختلف

* راهنمایی و دلسوزی برای شیعیان

گروهی از کوفیان در مدینه خدمت امام حسن علیه السلام رسیدند و نسبت به جریان صلح اعتراض داشتند، امام در پاسخ آن‌ها فرمود:

«فإنکم شیعتنا و أهل مودتنا، و من نعرفه بالنصيحة والصحبة والاستقامة لنا، و قد فهمت ما ذكرتم و لو كنت بالحزم في أمر الدنيا و للدنيا أعمل و أنصب، ما كان معاوية بأبأس مني بأسا، و أشد شكيمه، و لكان رأيي غير ما رأيتم، و لكني أشهد الله و إياكم أتى لم أرد بما رأيتم ألاً حقن دمائكم، و إصلاح ذات بينكم، فاتقوا الله و ارضوا بقضاء الله، و سلموا لأمر الله، و الزموا بيوتكم، و كفوا أيديكم، حتى يستريح برّ، أو يستراح من فاجر، مع أن أبي كان يحدثني أن معاوية سيلي الأمر، فو الله لو سرنا إليه بالجبال و الشجر، ما شككت أنه سيظهر، إن الله لا معقب لحكمه، و لا رادّ لقضائه،

و أما قولك: يا مذلّ المؤمنين، فو الله لأن تذّلوا و تعافوا أحبّ إليّ من أن تعزوا و تقتلوا، فإن ردّ الله علينا حقنا في عافية قبلنا، و سألنا الله العون على أمره، و إن صرفه عنا رضينا، و سألنا الله أن يبارك في صرفه عنا، فليكن كل رجل منكم حلّسا من أحلاس بيته، ما دام معاوية حيّاً، فإن يهلك و نحن و أنتم أحياء، سألنا الله العزيمة على رشدنا، و المعونة على أمرنا، و أن لا يكلنا إلى أنفسنا، فإن الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون.» الامامه و السياسه ۱/۱۸۷

این فرمایش را هم امام حسین (ع) به همان گروه فرمودند:

«ليكن كل رجل منكم حلّسا من أحلاس بيته، ما دام معاوية حيّاً، فإنها بيعه كنت و الله لها كارهاً، فإن هلك معاوية نظرنا و نظرتهم، و رأينا و رأيتم.» الامامه و السياسه ۱/۱۸۸

*رسیدگی و پاسخ به نیاز فقراء

این اقدام امام علیه السلام آنقدر زیاد بود که آن حضرت به کریم اهل بیت شهرت یافت.

*پناهگاه درماندگان

افراد وقتی همه درها را به روی خود بسته می دیدند به خدمت امام مجتبی علیه السلام پناه می بردند مانند آنچه برای سعید بن ابی سرح رخ داد که زیاد او را تعقیب میکرد و اموال وی را مصادره و بستگانش را بازداشت کرد سعید به امام پناهنده شد امام از زیاد خواستند بازداشتی ها را آزاد و اموال سعید را به باز گرداند.

حیاء الامام الحسن ۲۸۹/۲

۴) عدم اجازه سوءاستفاده به معاویه

*امام در مسیر بازگشت به مدینه بودند که پیک معاویه رسید معاویه از امام خواسته بود به نبرد با گروهی از خوارج پردازند امام در جواب نوشتند:.. لو آثرت ان اقاتل احداً من اهل القبلة لبداًت بقتالک فانی ترکتک لصلاح الامه وحقن دمائها.. حیاء الامام الحسن ۲۸۷/۲

*رد کردن خواستگاری معاویه

باتدبیر امام حسن علیه السلام راه سوء استفاده معاویه از خواستگاری دختر عبدالله بن جعفر و خواهرزاده آنحضرت برای یزید بسته شد امام از والی مدینه خواست امر خواستگاری را در جمع مردم انجام دهد وقتی در جمع بزرگان مدینه والی از طرف معاویه خواستگاری را مطرح کرد و به مقدار صدق هم تعیین شود ، امام فرمودند:

اما ما ذكرت من ايها في الصداق فاننا لم نكن ل نرغب سنه رسول الله صلى الله عليه واله في اهله و بناته
«مهر السنه اربع مائه درهم» واما قضاء دين ايها فمتى قضت نساونا ديون ابائهن و اما صلح الحيين فاننا عاديناكم لله و في
الله فلا نصلحكم للدينا

مقتل الحسين ع للخوارزمي ١٢٤/١

* پاسخ کوبنده به توهين های معاويه در مدینه

وقتی معاويه در سفر به مدینه جایگاه معنوی امام را دید به پیشنهاد ضحاک بن قیس در اجتماع روز جمعه
به توهين و تحقير علی عليه السلام پرداخت که با پاسخ کوبنده امام روبرو شد و امام با بازخوانی جایگاه پدر
و مادر وی ، معاويه را در جمع مردم به چالش کشیدند و معاويه با قطع کلام امام و یا سؤال از آن حضرت
دنبال نجات از تیغ برآن سخنان امام بود که امام او را پشیمان کردند.

حياة الامام الحسن ٢٩٧/٢ تا ٢٩٩ به نقل از خوارزمي

* در سفر امام به دمشق دو مناظره برای امام ترتیب داده بودند تا امام را تحقیر و شکست دهند امام با
بردباری سخنان را شنیدند و با متانت کامل با یادآوری گذشته هر کدام از معاويه و عمرو بن عاص ، ولید بن
عقبه بن ابی معیط ، عتبه بن ابی سفیان و مغیره بن شعبه پرداخت و نسبت به سوء استفاده آنان از قدرت
برای تطهیر خود و بیگناهی جلوگیری کردند و فرمودند:

هیهات لشر ما علوت یابن آكله الاکباد المجتمعون علیک رجلان بین مطیع و مکره فالطائع لک عاص لله و
المکره معذور بکتاب الله و حاشا لله ان اقول انا خیر منک لآنک لا خیر فیک فان الله قد برأنی من الرزائل
كما برآک من الفضائل..

حياة الامام الحسن ع ٣٠٦/٢

ب در جبهه معاويه

* سرمست از کسب قدرت بیشتر و تسلط بر عراق

* رشد فساد و عیاشی فاصله گرفتن حاکمان از موازین دینی

* پرداختن به امور کم اهمیت

* بذل و بخشش های فراوان از بیت المال با هدف تثبیت حاکمیت خویش

* از رونق افتادن فضائل دینی و رشد ارزشهای جاهلی

هدف: بررسی علل برچسب‌ها به امام حسن علیه السلام و شهادت آن حضرت

شایعات و برچسب‌ها به امام مجتبی علیه السلام

یکی از امامان معصوم که در دوره ی خاص هدف شایعات و برچسب‌های فراوان قرار گرفت امام مجتبی علیه السلام است ریشه های شایعات و برچسب‌ها

عوامل سیاسی

بنی امیه و بنی زبیر از روی ناراحتی که از علی علیه السلام داشتند سعی کردند فرزندان آن حضرت سبطین پیامبر (ص) را به نوعی زیر سوال بردند و در مواردی پدر و پسران بویژه امام مجتبی علیه السلام را مورد تهمت‌ها قرار دهند . از جمله این برچسب‌ها که امام مجتبی علیه السلام به معنی دقیق کلمه طرفدار عثمان بن عفان بود نقل کرده اند: انّ علیاً مرّاً بابنه الحسن و هو يتوضأ فقال له :

اسبغ الوضوء یا حسن فاجابه الحسن بهذه الكلمه المره « لقد قتلتم بالامس رجلا يسبغ الوضوء» فلم يزد علی ان قال لقد اطال الله حزنك علی عثمان و فی نص آخر للبلاذری لقد قتل رجلا كان يسبغ الوضوء الفتنه الكبرى قسم :

علی و بنوه ۱۷۶ / وانساب الاشراف ۱۲/۳

در این باره روایات دیگری به این معنی آمده است که در سیره الائمه الاثنی عشر ۵۴۲/۱ تا ۵۴۴ به آنها اشاره کرده است.

توضیح: مشهور آنکه این گفتگو بین امیرالمومنین علیه السلام و حسن بصری واقع شده . هنگامی که آنحضرت به بصره رفتند انساب الاشراف ترجمه امام حسن علیه السلام ۱۲

این روایات را بنی امیه وضع کرده اند زیرا

۱. علی علیه السلام که حسنین علیهما السلام را جهت دفاع از عثمان اعزام کرد چگونه می‌تواند در قتل وی شریک باشد.

۲. در تاریخ زندگی امام مجتبی علیه السلام همیشه بویژه در جنگ‌ها مدافع سرسخت راه پدر بوده که علی علیه السلام در برخی از جنگ‌ها فرمود: أَمَلِكُوا عَلِيَّ هَذَا الْعُغْلَامَ لَا يَهْدَتْنِي فَيَأْتِي أَنفُسَ بَهْدِينَ - یعنی الحسن والحسين عليهما السلام - علی الموت لئلا ينقطع بهما نسل رسول الله صلى الله عليه و آله».

نهج البلاغه: الخطبة ۲۰۷

۳. امام مجتبی علیه السلام و علی علیه السلام از مصادیق آیه تطهیر هستند و از دروغ به دور ، به ویژه که از پیامبر (ص) نقل شده: انه مع الحق و الحق معه يدور معه حيث دار كشف الغمه للاربلي ۱۴۳/۱

۴. عدم اسبابغ وضو بر امام مجتبی علیه السلام را که مراعی مستحبات و دستورات دینی بوده بسیار بعید به نظر می رسد .

۵. بین دیدگاه های امام مجتبی علیه السلام با عملکرد عثمان فاصله زیادی است ایشان در پاسخ پرسشی درباره سیاست فرمودند:

«هی أن تراعی حقوق اللّٰه وحقوق الأحياء وحقوق الأموات، فأما حقوق اللّٰه فأداء ما طلب والاجتناب عما نهى، وأما حقوق الأحياء فهى أن تقوم بواجبك نحو إخوانك ولا تتأخّر خدمه أمتك وأن تخلص لولى الأمر ما أخلص لأمته، وأن ترفع عقيرتك فى وجهه اذا حاد عن الطريق السوى، وأما حقوق الأموات فهى أن تذكر خيراتهم وتتغاضى عن مساوئهم فان لهم رباً يحاسبهم».

الحياة السياسية للإمام الحسن عليه السلام جعفر مرتضى عاملی ص ۵

مورد دیگر در کافی به نقل از امام صادق علیه السلام

ان عليا عليه السلام قال و هو على المنبر لا تزوجوا الحسن فانه مطلق فقام رجل من همدان فقال بلى و الله لنزوجه و هو ابن رسول الله و ابن اميرالمومنين فان شاء امسك و ان شاء طلق كافي ۵۹/۶ ح ۴ حياة الحسن ۳۹۵/۲ تا ۴۱۲

بدیهی است طلاق در روایات به عنوان مبعوض ترین حلال الهی شناخته شده است

باید روایاتی که امام را مطلق شناخته مورد بررسی قرار داد

۱) در برخی روایات برای امام بین هفتاد تا سیصد زن مطرح کرده اند . باید سند این روایات بررسی شود.

۲) روایت نخست را ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ۸/۴ و دیگران از علی بن عبدالله بصری ضعیف و مشهور به مدائنی که در سال ۲۲۵ ه ق مرده است گرفته اند و مسلم در کتاب صحیحش از وی روایتی نقل نکرده .

ابن عدی هم در کامل او را ضعیف دانسته . و اصمعی گفته تو اسلام را پشت سرت انداختی او از

یاران ابو اسحاق موصلی است . میزان الاعتدال ۱۳۹/۳

مدائنی عثمانی و پیرو بنی امیه بوده و نمی توان به روایاتش عمل کرد .

روایت دوم را شبلنجی به صورت مرسله و غیر معتبر آورده .

روایت سوم و چهارم که مجلسی و ابن شهر آشوب از کتاب ابوطالب مکی متوفای ۳۸۰ هـ ق نقل می کنند که امام ۲۵۰ و یا سیصد زن داشته و طلاق می داده و امام علی (ع) از امام مجتبی (ع) نسبت به

این کردارش ناخرسند بوده و قوت القلوب ۲/۲۶۶

ابوطالب مکی کیست؟ او که از شدت خوردن عرق های گیاهی بدنش سبز رنگ شده بود و در بغداد و در اجتماع مردم هزیان میگفت گاهی آوازه خوانی هم انجام می داد. جمع زیادی به نادرستی منقولاتش شهادت داده اند.

(۳) جز روایات ضعیف روایات دیگری نداریم. در عین حال اگر همسران امام زیاد بودند باید فرزندان و دامادهای ایشان هم زیاد می بود در حالی که اینطور نیست

(۴) آنچه در روایت کافی نقل شده از مقام عصمت امام علی (ع) و امام حسن (ع) به دور است که خلاف مروت مرتکب گردد. این روایت مجهول است .

(۵) امام از سنت پیامبر (ص) تجاوز نمی کرد .

(۶) اگر امام نقطه ی ضعفی داشتند معاویه و عمر بن عاص و مغیره بن شعبه و ولید بن عقبه بن ابی معیط و عتبۀ بن ابی سفیان در نشست محاجه به رخ می کشیدند .

(۷) سبط بن جوزی در تذکره الخواص و زبیر بن بکار در مفاخرات و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه

نقل کرده اند که افراد یاد شده : قالوا لمعاویه انّ الحسن قد احیا اباه و ذکره قال فصدق و امر فاطیع و

حفقت النعال و ان ذلك لرافعه الی ما هو اعظم منه و لایزال یبلغنا عنه ما یسؤنا ... اعیان الشیعه

۵۷۴/۱

به نقل از کتب یاد شده اگر امام سوء سابقه ای داشت نه مردم گرد او جمع می شدند و او و علی علیه السلام را تأیید نمی کردند تا اخبار استقبال مردم از امام معاویه را ناراحت کند.

سؤال دیگر: چرا امام حسن علیه السلام از کوزه زهرآلود آب نوشید؟

امامان هر زمان بخواهند از ورای حجاب اطلاع یابند با اذن الهی عملی می شود ولی این اطلاع از غیب بالفعل نیست و بالقوه است و یا از طریق کتابی که نزد آنان است و برخی از اسرار در آن مکتوب است بهره می برند.

مرحوم کلینی در اصول کافی بابی را بعنوان (انَّ الاثمه اذا شاءوا ان يعلموا غلموا) بنابراین اگر مشیت الهی برای بر این امر تعلق بگیرد که امام آگاه باشند امام خواهد دانست و در امر نوشیدن آب و یا خوردن انگور توسط امام مجتبی علیه السلام و یا امام رضا صلوات الله علیها اگر خداوند اراده کرده بود آنان از علم غیب استفاده می کردند. اصول کافی ۲۵۸/۱ مرات العقول در جلد ۳ ص ۱۱۸ به آن اشاره کرده است.

ارتحال امام یا شهادت

در مورد شهادت امام تبلیغات بنی امیه کارساز گردید به گونه ای که نزد برخی از نویسندگان اهل سنت مانند محمد اسعد طلس در کتاب تاریخ الامه العربیه صص ۹ و ۱۶ آورده: و غادر الحسن (بعد الصلح) الی المدینه و لم یلبث اکثر من شهرین حتی مات ...

و یا ابن خلدون نوشته: انّ ما ذکر بشأن سمّ الحسن بن علی علی ید معاویه فهی روایه لفقهاء الشیعہ و حاشا لمعاویه ذلک ابن خلدون العبر ج ۲ ق ۲ ص ۱۸۷

به تازگی کتابی با عنوان «الدولة الأمویة فی کتابات المسعودی» انتشار یافته که ضمن آن، مطالبی که این مورخ در باره بنی امیه نوشته شده، از دیدگاه سنی افراطی، مورد نقد قرار گرفته است. نویسنده این کتاب ابراهیم بن یوسف الاقصم است که به زعم خود، با نقد منابع مسعودی نوشته است که وی بر نوشته‌های ابومخنف و روایات واقدی تکیه کرده و ابومخنف و واقدی مورد اطمینان نیستند. گرایش‌های مذهبی مسعودی سبب شده است تا چهره امویان را مشوه جلوه داده و زشتی‌هایی را به آنان نسبت دهد. برای نمونه، او معاویه را متهم کرده که قاتل حسن بن علی بوده و این کار را با فریب همسر امام حسن، **جعدہ** دختر اشعث بن قیس انجام داده است. به اعتقاد وی،

مورخان پیش از مسعودی، مانند یعقوبی و خلیفه بن خیاط، ابن قتیبه در «الامامة و السياسة» و دینوری و ابن اعثم و طبری، معاویه را در این باره متهم نکرده‌اند. گزارش این کتاب با عنوان «الأقسام بیریء الأموی» در روزنامه عکاظ (۲۶ ذی قعدة ۱۴۲۴) آمده است. دفاع از بنی امیه در تفکر سلفی - وهابی سابقه دارد.

با کاروان صفا در سال ۸۲، ص: ۲۶۸

لازم به ذکر است این پنهان کاری کار دستگاه حکومت بنی امیه بود ضمن آنکه امام پس از مراجعه به مدینه حدود ده سال در قید حیات بودند علاوه که برخی از مورخین مدت بیماری متأثر از مسمومیت را: فبقی فی فراش المرض اربعین یوما، و بعضی شهرین ذکر کرده اند.

دائرةالمعارف للبیستانی ۳۸/۷ و حیاةالحووان للدمیری ۵۳/۱

و در گفتگویی که بین امام حسن و امام حسین علیهما السلام بعد آشکار شدن آثار سم پیش آمد امام حسین علیه السلام سؤال کردند: اخی من سقاک السم؟

و ما ترید منه؟

ارید ان اقتله

-ان یکن الذی اظنه فالله اشد بأسا و اشد تنکیلا و ان لم یکن هو فما احب ان یقتل بی بریء...

الاستیعاب ۳۷۴/۱

ابن اثیر می نویسد: ان السم قد قطع امعاءه..البدايه و النهایه ۴۳/۸

جناده بن ابی امیه (اسمه کثیر الازدی) از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگامه شهادت امام به عیادت آن حضرت شرفیاب گردید، حضرت در حالی که طشت در پیش روی داشتند، به جناده فرمودند: «ما منا الا مسموم أو مقتول». از حضرتش درخواست موعظه نمودند. امام در روزهای پایان بخش عمر خویش مواعظ ارزشمندی بیان کردند که:

«استعد لسفرک و حصل زادک قبل حلول اجلک و اعلم انک تطلب الدنيا و الموت یطلبک و لاتحمل هم یومک الذی لم یأت علی یومک الذی انت فیه و اعلم انک لاتکسب من المال شیئا فوق قوتک الا کنت فیه خازنا لغيرک و اعلم ان فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب و فی الشبهات عتاب ... و اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابدا و اعمل لآخرتک کأنک تموت غداً و اذا اردت عزاً بلا عشیره و هیبة بلا سلطان فاخرج من ذل معصیه اللّٰه الی عز طاعة اللّٰه....»

برخی اصحاب دیگر چون عمیر بن اسحاق نیز از امام در آخرین روزهای حیات آن حضرت به عیادت ایشان آمده اند.

امام در روزهای آخر با محمد حنفیه هم دیدار و گفتگو داشتند به او فرمودند: اما علمت انّ الحسین بن علی بعد وفاة نفسی و مفارقة روحی جسدی امام بعدی... فانبری الیه محمد مظهرًا له الطاعة و الانقاد قائلاً: انت امامی وانت وسیلتی الی محمد ص محمد بن الحنفیه ۵۲

فاذا اشتد الوجع التفّت الی اهله قائلاً: اخرجونی الی صحن الدار أنظر فی ملکوت السماء فحملوه الی صحن الدار فلما استقر به رفع رأسه الی السماء و أخذ یناجی ربه و یتضرع الیه... ثم حضر فی ذهنه غدر معاویه به و نکته للعهد و اغتیاله اياه فقال: لقد حاقت شربته و الله ما وفی بما وعد ولا صدق فیما قال.

تذکره الخواص ص ۲۳ تاریخ ابن عساکر ۲۲۶/۴

همسران آن حضرت عبارتند از: «ام الحق» دختر طلحه بن عبیدالله؛ «حفصه» دختر عبدالرحمن بن ابی بکر؛ «هند» دختر سهیل بن عمرو؛ و «جعده» دختر اشعث بن قیس و این آخرین، همان است که به اغوای معاویه او را مسموم و شهید کرد.

فرندان آنحضرت از دختر و پسر ۱۵ نفر بوده‌اند، بنام‌های:

زید، حسن، عمرو، قاسم، عبدالله، عبدالرحمن، حسن اثرم، طلحه، ام الحسن، ام الحسین، فاطمه، ام سلمه، رقیه، ام عبدالله و فاطمه.

نسل آن حضرت فقط از دو پسرشان: حسن و زید، باقی ماند و از غیر ایندو انتساب به آنحضرت درست نیست.

أشعث بن قیس الکندی من أصحاب رسول الله ص و أمير المؤمنين ع ارتد بعد النبی ص فی رده أهل یاسر ثم صار ملعونًا خارجيًا و بنته جعده بنت اشعث زوجة الامام المجتبی علیه السلام سم الامام و اخیه محمد بن الاشعث کان فی الطف فی جیش یزید

شهادت امام حسن علیه السلام

معاویه با شناخت روحیات خاندان اشعث نیرنگ خود را به کار گرفت و پیکی به جانب جعده فرستاد. پیک هم به جعده وعده داد اگر موفق به مسموم و شهید نمودن امام مجتبی (ع) شود، وی را به عقد فرزندش یزید درآورد! هم‌چنین صد هزار درهم نقد نیز برای او ارسال می‌کند.

ترجمه امام حسن (ع) از تاریخ دمشق، ص ۱۴۳

فرستاده معاویه موفق به فریب جعده شد و او نیز امام مجتبی (ع) را با وارد کردن سم در آب آشامیدنی به شهادت رساند.

ابن قتیبه دینوری می‌نویسد: هنگامی که خبر شهادت امام مجتبی (ع) به معاویه رسید، سجده شکر بجا آورد و تکبیر گفت. الامامه و السیاسة، ج ۱، ص ۱۹۶

در این موضوع تردیدی نیست که امام مجتبی (ع) پیش از این نیز چندین نوبت با دسیسه‌های معاویه مسموم شده بودند و در نهایت با زهر به شهادت رسید. منابع معتبر تاریخی به این مهم توجه نموده‌اند، یعقوبی می‌نویسد: هنگامی که لحظه رحلت حسن بن علی (ع) رسید، برادرش حسین را فرا خواند و فرمود این آخرین مرتبه و سه نوبت است که من مسموم می‌شوم و هیچ‌گاه مانند این نوبت مسموم نشده بودم.

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۳

ابن اثیر می‌نویسد:

«و كان سبب موته ان زوجته جعده بنت الاشعث بن قيس سقته السم اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۱

علت مرگ حسن مجتبی این بود که همسرش جعده دختر اشعث بن قیس به وی سم نوشانید.»

قرطبی هم می‌نویسد: حسن بن علی توسط همسرش جعده دختر اشعث بن قیس مسموم شد و این کار با دسیسه معاویه شکل گرفت که در مورد خواسته‌های وی، او را تطمیع نمود و اموالی برای او فرستاد. استیعاب، ج ۲، ص ۳۷۴

دانشمندان دیگر اهل سنت هم می‌نویسند: این جنایت به دسیسه معاویه انجام شد که جعده را در برابر مالی که به او داد به این کار وادار کرد. استیعاب، ج ۲، ص ۳۷۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۷؛ تذکره الخواص، ص ۲۲۲

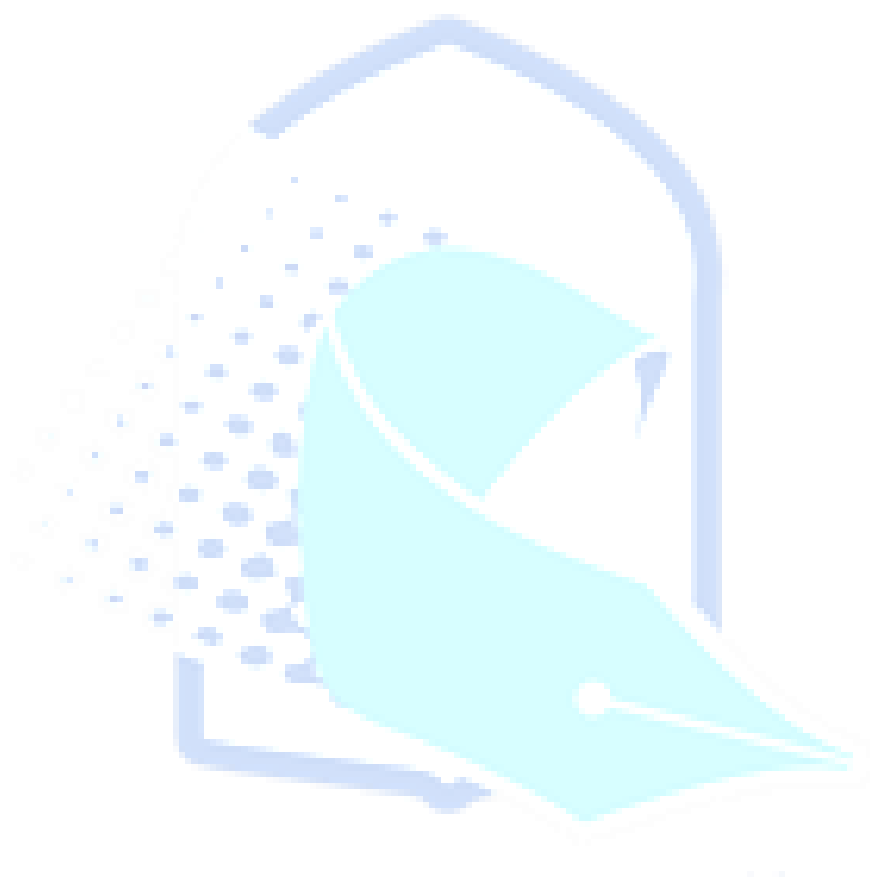
البته معاویه به وعده‌های خود عمل نکرد. یکی از وعده‌ها این بود که او را به همسری یزید درآورد اما معاویه پس از شهادت امام حسن (ع)، وقتی جعده درخواست انجام این وعده را از او کرد، طبق روایت مسعودی به صورت مسخره و استهزاء بدو گفت: ما یزید را دوست داریم و اگر این جهت نبود، ما به وعده خود وفا می‌کردیم!

پرسش:

۱) عوامل برچسب ها به امام مجتبی علیه السلام چه بود؟

۲) چرا در نقل نحوه شهادت امام اختلاف است؟

۳) مهمترین جهت گیری در کلام امام در روز آخر چه بود؟



جلسه هفتم

امامت امام حسین علیه السلام

رویکرد امام حسین علیه السلام در برابر حکومت معاویه و یزید

الف جهت گیریهای معاویه

(۱) خوشحالی معاویه از شهادت امام مجتبی علیه السلام

عن الفضل بن عباس بن ربيعة قال: وفد عبد الله بن عباس على معاوية، قال: فوالله، إنى لفى المسجد إذ كبر معاوية فى الخضراء فكبر أهل الخضراء، ثم كبر أهل المسجد بتكبير الخضراء، فخرجت فاخته بنت قرظة بن عمرو بن نوفل ابن عبد مناف من خوخته لها فقالت: سرک الله يا أمير المؤمنين، ما هذا الذى بلغک فسررت به، قال موت الحسن بن على،

مروج الذهب ۲: ۳۳۹

(۲) معاویه به دنبال جذب امام حسین علیه السلام بود.

در نامه به سعید بن عاص والی مدینه نوشت: و عليك بالرفق و اياک و الخرق فان الرفق رشد و الخرق نكد و انظر حسينا خاصة فلايناله منك مكروه ، فان له قرابه حقاً عظيماً لاينكره مسلم ولا مسلمة و هو ليث عرين ...

الامامة والسياسة ۱۵۳

یزید از پدرش معاویه درخواست کرد در مقابل نامه حسین بن علی نامه ای تحقیر آمیز بنویس تا موجب کوچکی او گردد معاویه گفت:

و ما عسيت ان اعيب حسينا و والله ما ارى للعيب فيه موضعاً اعيان الشيعة ۵۸۳/۱

(۳) رقیب سازی برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام

هنگام شهادت امام حسن علیه السلام عبد الله ابن عباس در شام حضور داشت و شنیده بود که معاویه از خبر شهادت امام خوشحال گردیده ، فدخل على معاوية، فلما جلس قال معاوية: يابن عباس هلك الحسن بن على، فقال ابن عباس: نعم هلك إنا لله وإنا إليه راجعون ترجيعاً مكرراً، وقد بلغنى الذى أظهرت من الفرح والسرور لوفاته، أما والله ما سدّ جسده حفرتك، ولا زاد نقصان أجله فى عمرک، ولقد مات وهو خير منك، ولئن أصبنا به لقد أصبنا بمن كان خيراً منه، جده رسول الله (ص) فجبر الله مصيبتة، وخلف علينا من بعده أحسن الخلافة، ثم شهق ابن عباس و بكى، و بكى من حضر فى المجلس و بكى معاوية، فما رأيت يوماً أكثر باكياً من ذلك اليوم، فقال معاوية:

بلغنى أنه ترك بنين صغاراً، فقال ابن عباس: كلنا كان صغيراً فكبر، قال معاوية: كم أتى له من العمر؟ فقال ابن عباس: أمر الحسن أعظم من يجهل أحد مولده، قال فسكت معاوية سيراً، ثم قال: يا بن عباس: أصبحت سيد قومك من بعده، فقال ابن عباس: أما ما أبقي الله أبا عبد الله الحسين فلا، قال معاوية لله ابوك يا بن عباس ما استنبأتك ألاً وجدتك معداً

الإمامة والسياسة ١: ١٥٠. العقد الفريد ٥: ١١٠

قال معاوية لعبد الله بن جعفر: أنت سيد بنى هاشم؟ اجابه قائلاً: سيد بنى هاشم حسن و حسين

حياة الامام الحسين به نقل از الحسن بن على كامل سليمان ص ١٧٣

ويا به او نوشت: ان هلكت اليوم طفئ نور الاسلام فانك علم المهتدين و رجاء المؤمنين

البدایه و النهایه ١٦٧/٨

٤) تحریم مردم مدینه از سهم واقعی بیت المال

در سفری که معاویه به مدینه آمد: استقباله اهل المدینه فنظر فاذا الذى استقبله من قريش اكثر من الانصار فسل ذلك فقيل انهم يحتاجون ليست لهم دواب فالتفت معاويه الى قيس مع اخوانكم من قريش؟ فقال قيس و كان سيد الانصار و ابن سيدهم اعدنا يا امير المؤمنين ان لم يكن لنا دواب قال معاويه فأين النواضح؟ فقال قيس افينها يوم بدر و احد و ما بعدهما فى مشاهد رسول الله حين ضربناك و اباك على الاسلام حتى ظهر امر الله و انتم كارهون ...

سفینه البحار ٢/٢٩١

و برای تحت فشار قرار دادن بنی هاشم و جلوگیری از توانمند شدن آنان بیت المال را به مدت یکسال از آنان دریغ کردند: فقد حبس عنهم العطاء سنة كاملة

الكامل فى التاريخ ٣/٢٥٢

٥) پایه گذاری بد بینى و سبّ على عليه السلام

فقد روى مسلم عن بكير بن مسمار، عن عامر بن سعد بن أبى وقاص، عن أبيه قال: أمر معاوية بن أبى سفيان سعداً فقال: ما منعك أن تسبّ أباً تراب؟ فقال: أمّا ما ذكرت ثلاثاً قالهنّ له رسول الله صلى الله عليه وآله، فلن أسبّه، لأن تكون لى واحده منهنّ أحبّ إلىّ من حُمُر النعم؛

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول له: خلفه فى بعض مغازيه فقال له على: يارسول الله خلفتني مع النساء والصبيان؟ فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لا نبىّ

بعدی.

وسمعتہ يقول يوم خيبر: لأعطين الراية رجلاً يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله، قال: فتناولنا لها، فقال: ادعوا لي علياً، فأتى به أرمداً، فبصق في عينه ودفع الراية إليه، ففتح الله عليه،

ولما نزلت هذه الآية: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ...» دعا رسول الله صلى الله عليه وآله علياً وفاطمة وحسناً وحسيناً، فقال: «...اللَّهُمَّ هؤُلاءِ أهلي...».

صحیح مسلم: ۷/ ۱۲۰، ط القاهرة. ۲. تفسیر المنار: ۱۱/ ۲۶۰

والآن نطرح سؤالاً: أن من يعادی شخصیه مثالیة نظیر الإمام علیّ علیه السلام ویأمر وغازیه وخطباءه بلعنه علی المنابر، هل یعتبر مسلماً؟

محمد بن شهاب زهري در یک داستان ساختگی و دروغین و در یک صحنه سازی، اختلاف عباس عموی پیامبر با امیر مؤمنان علیه السلام، درباره ارث پیامبر صلى الله عليه وآله رامطرح می کند و می گوید: آنها برای حل اختلاف، نزد عمر بن خطاب حاضر شدند و از او خواستند که قضاوت و حل اختلاف کند. در این داستان ساختگی آمده است: عباس، در حالی که به علی بن ابی طالب اشاره می کرد، خطاب به خلیفه گفت: یا امیرالمؤمنین اقض بینی و بین هذا الکاذب الأثم الغادر الخائن! و عمر در پاسخ وی گفت: أ تعلمان أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: لا نورث ما تركناه صدقة صحیح بخاری کتاب فرض الخمس حدیث شماره ۲۹۲۷ و کتاب الاعتصام بالکتاب والسنة حدیث شماره ۶۸۷۵، صحیح مسلم، کتاب الجهاد، باب حکم انقیاء حدیث شماره ۳۳۰۲.

محمد بن شهاب زهري از طریق عروه بن زبیر از عایشه نقل می کند که گفت: من در نزد پیامبر بودم، عباس و علی بن ابی طالب پیدا شدند پیامبر به آنها اشاره کرده، فرمود: إِنَّ هَذَيْنِ يَمْوَتَانِ عَلِيَّ غَيْرِ مِلَّتِي

باز زهري از عایشه نقل می کند که نزد پیامبر خدا بودم، عباس و علی بن ابی طالب را دیدم که به سوی ما می آیند، پیامبر وقتی آن دو را دید، فرمود: یا عائشة إن سرک أن تنظري إلى رجلين من أهل النار، فانظري إلى هذين قد طلعا

شرح نهج البلاغه، ج ۴، صص ۶۴-۱۰۲

۶) شکستن مقاومتهاى داخلی در مقابل بیعت با یزید

معاویه برای مروان بن حکم والی مدینه در گرفتن بیعت برای یزید نامه نوشت :

فلما قرأ مروان کتاب معاویه أبی من ذلک و أبتة قریش فکتب لمعاویه : ان قومک قد أبوا إجابتك الی

بیعتک اینک فارأ رأیک ، فلما بلغ معاویه کتاب مروان عرف أن ذلک من قبله ، فکتب الیه یامره ان یعتزل

عمله و یخبره أنه قد ولی المدینه سعید بن العاص....

برکناری مروان بن حکم و جایگزینی سعید بن عاص برای انجام ندادن بیعت یزید

(٧) مشروع سازی جانشینی یزید در راستای تثبیت پادشاهی بنی اُمیّه

معاویه به پیروی از نقشه راهی که ابو سفیان ارائه کرده بود به دنبال حکومت پادشاهی موروثی در خاندان خود بود، پدرش در آغازین روز حکومت عثمان اظهار داشت: فی غداة توّلی عثمان الخلفه، إذ قال فی اجتماع خاصّ ضمّ بنی اُمیّه فی دار عثمان: «أفیکم أحدٌ من غیرکم؟ (وقد کان عمی)، فقالوا: لا، قال: یا بنی اُمیّه، تلقّفوها تلقّف الکرة، فوالذی یحلف به أبوسفیان ما زلت أرجوها لکم ولتصیرنّ إلی صبیانکم وراثه..»-

مروج الذهب للمسعودی، ٢: ٣٥١-٣٥٢، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، ط ٤ مصر ١٣٨٤-١٩٦٤ م.

نامه نگاری به عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن جعفر و امام حسین علیه السلام در باره کسب رأی موافق برای بیعت با یزید

نامه به عبدالله بن عباس مشحون به تهدید و برجسب شرکت در قتل عثمان در راستای فشار برای بیعت با یزید و منت گذاری صرف نظر کردن از کیفر شراکت در خون عثمان.

نامه به عبدالله بن زبیر همراه با شعر و نکات ادبی اخلاقی جهت تألیف قلب و همراه سازی در بیعت

نامه عبدالله بن جعفر با برجسته کردن جایگاه فرزند جعفر طیار در جامعه شروع و در ادامه با لحن تقدیر و تهدید نامه را پایان برده که فان بایعت تُشکر و تأب تُجبر والسلام

که این سه نفر با مضامین مختلف پاسخ داده و به نوعی زیر بار درخواست او نرفتند البته او برای عبدالله بن عمر هم نامه نوشت این چهار نفر معروف به عبادله بودند.

ولی نامه به امام حسین علیه السلام حساب شده تهیه شده بود

ولمّا بلغ الکتاب «مروان» إلی معاویة کتب رسالۀ إلی الحسین وهذا نصّها: أمّا بعد؛ فقد انتهت إلیّ أمور عنک إن کانت حقّاً فإنّی لم اظنها بک رغبة عنها،

وان کانت باطله فانت اسعد الناس بمجانبتها

ولعمر الله إن من أعطی الله عهده وميثاقه لجدير بالوفاء، وإن أحقّ الناس بالوفاء من كان فی خطرک وشرفک ومنزلتک التي أنزلک الله بها فلا تنازع الی قطیعتک «همان صلحی که معاویه فی المجلس نقض کرد»، و اتق الله و لاتردنّ هذه الامه فی فتنه و انظر لنفسک و دینک و أمه محمد و لا یستخفنک الذین لایؤمنون

الإمامة و السياسة ١: ١٦٣

ب: تدبیر امام حسین علیه السلام در پاسخگویی به زیاده خواهی های معاویه

امام حسین علیه السلام با هوشمندی تمام و بصورت کیفر خواستی از عملکرد معاویه پاسخ نامه وی را تهیه و او را به چالش کشیدند که مجبور شد شخصا برای جلب توجه مردم مدینه و سران جبهه مردمی به مدینه سفر کند.

رسالة الإمام الحسين إلى معاوية:

*به انجام کار نیک می اندیشم

«أما بعد فقد جاءني كتابك تذكر فيه أنه أنتهت إليك عنى أمور لم تكن تظننى بها رغبة بى عنها، وأن الحسنات لا يهدى لها ولا يسدّد إليها إلّا الله تعالى،

*من اکنون به دنبال نبرد نیستم هرچند با حزب تو باید جنگید

وأما ما ذكرت أنه رمى إليك عنى، فإنما رقاها الملقون المشأؤون بالنميمة، المفرقون بين الجمع، وكذب الغاوون المارقون، ما أريد لك حرباً ولا خلافاً، وإنى لأخشى الله فى ترك ذلك منك ومن حزبك القاسطين حزب الظلمة وأعوان الشيطان الرجيم.

*تو قاتل بندگان پاک باخته ای چون حجر هستی و به عهد خود وفادار نماندی

ألست قاتل حجر وأصحابه العابدين المخبئين، الذين كانوا يستفظعون البدع و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر فقتلتهم ظلماً و عدواناً من بعد ما اعطيتهم المواثيق الغليظة و العهود المؤكده جرأء على الله و استخفافا بعهده

*تو قاتل عمرو بن حمق خزاعی هستی بعد از آنکه امان دادی!

اولست بقاتل عمرو بن الحمق الذى أخلقت و أبلت وجهه العباده فقتلته من بعد ما أعطيته من العهود...

*تو زیاد بن ابیه به پدرت ملحق کردی و او را بر جامعه مسلط ساختی!

أو لست المدعى زیادا فى الاسلام فزعمت أنه ابن ابى سفیان و قد قضى رسول الله صلى الله عليه و اله ان الولد للفراس و للعاهر الحجر ثم سلطته على اهل الاسلام يقتلهم و يقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف يصلبهم على جذوع النخل

*گویا تو مسلمان نیستی!

سبحان الله يا معاوية ! لكأنتك لست من هذه الامه و ليسوا منك ،

*تو قاتل آن بی گناه حضر می هستی

أو لست قاتل الحضرمي الذي كتب إليك في زياد أنه على دين عليّ كرم الله وجهه، ودين عليّ هو دين ابن عمه صلى الله عليه وآله الذي أجلسك مجلسك الذي أنت فيه، ولولا ذلك كان أفضل شرفك وشرف آبائك تجشم الرحلتين: رحلة الشتاء والصيف، فوضعها الله عنكم بنا منه عليكم،

*حکومت تو بزرگترین فتنه برای امت اسلامی است

وقلت فيما قلت: لا تردن هذه الأمة في فتنه وإنني لا أعلم لها فتنه أعظم من إمارتك عليها،

*نبرد با تو جهاد ارزشمند الهیست

وقلت فيما قلت: انظر لنفسك ولدينك ولأمة محمد. وإنني والله ما أعرف فضلاً من جهادك، فإن أفعل فإنه قربه إلى ربّي، وإن لم أفعله فاستغفر الله لديني. وأسأله التوفيق لما يحب ويرضى،

*نصیحت امام به معاویه

وقلت فيما قلت: متى تكذني أكذك، فكذني يا معاوية ما بدا لك، فلعمري لقد يمياً يكاد الصالحون وإنني لأرجو أن لا تضرّ لأنفسك ولا تمحق إلأعملك فكذني ما بدا لك، وأتق الله يا معاوية،

واعلم أن لله كتاباً لا يغادر صغيرة ولا كبيرة إلأأحصاها،

*از واگذاری حکومت به یزید پرهیز کن

واعلم أن الله ليس بناس لك قتلک بالظنّة، وأخذك بالتهمة، وإمارتك صبيّاً يشرب الشراب ويلعب بالكلاب، ما أراك إلأ قد أوبقت نفسك، وأهلكت دينك، وأضعت الرعيّة والسلام»

الإمامة والسياسة ١: ١٦٤، جمهرة الرسائل ٢: ٦٧، ورواه الكشي في رجاله ٤٨-٥١ والمجلسي في البحار ٤٤: ٢١٢-

امام عليه السلام در جلسه ای در مدینه که ابن عباس هم حضورداشت با استدلال های متقن معاویه را محکوم کرد که معاویه با آن زیرکی و پر روئی که داشت متحیر ماند به بخشهائی از نامه اشاره می کنیم:

هیئات هیئات یا معاویه فضح الصبح فحمة الدجی و بهرت الشمس انوار السرج و لقد فضلت حتی افطرت و استأثرت حتی اجحفت و منعت حتی بخلت و جرت حتی تجاوزت ما بذلت لذي حق من اسم حقه من نصيب حتى اخذ الشيطان حظه الاوفر ونصيبه الاكمل

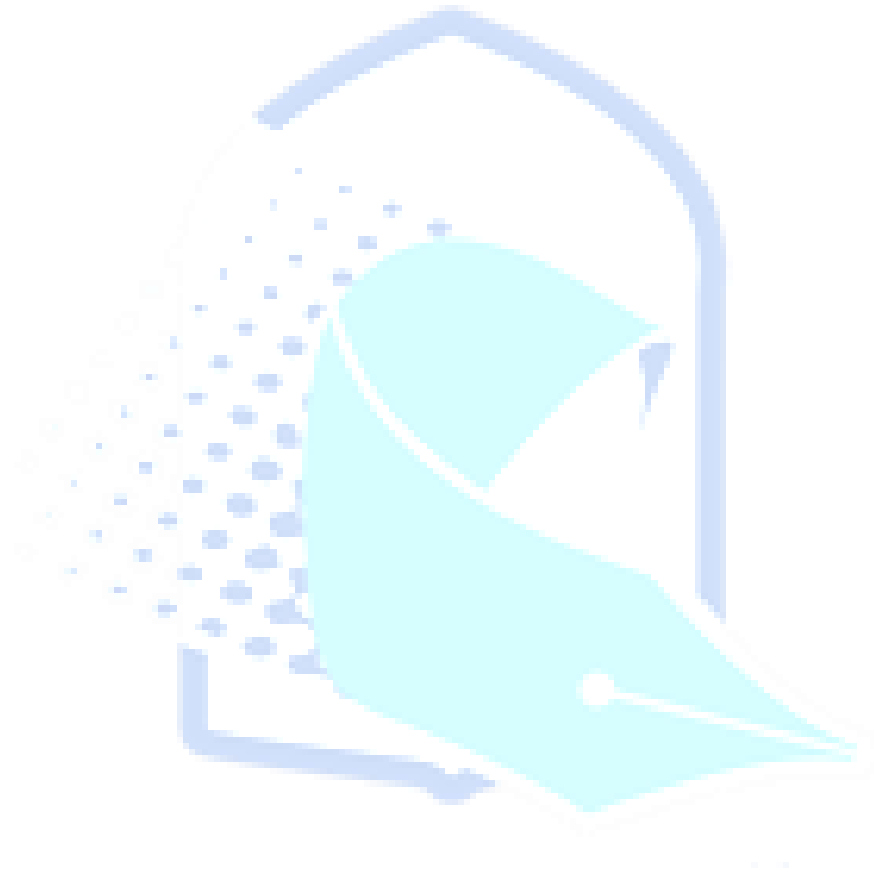
و فهمت ما ذكرته عن يزيد من اكماله وسياسته لامه محمد صلى الله عليه واله تريد ان توهم الناس في يزيد كأنك تصف محجوباً او تنعت غائباً او تخبر عما كان مما احتويته بعلم خاص و قد دلّ يزيد من نفسه على موقع رأيه فخذ

ليزيد فيما أخذ به من استقراءه الكلاب المهارشء عند التحارش و الحمام السبق لأترابهنّ و القيان ذوات المعازف
وضروب الملاهى تجده ناصرا

و دع عنك ما تحاول فما اغناك ان تلقى الله بوزر هذا الخلق باكثر مما انت لاقيه!...

.....تريد ان تلبس الناس شبهةً يسعد بها الباقي فى دنياه و تشقى بها فى آخرتك انّ هذا لهو الخسران المبين و
استغفرالله لى و لكم

الامامة و السياسة ١٩٥/١



تدابیر معاویه برای تثبیت یزید و موضعگیری امام علیه السلام

هدف: تبیین عملکرد سیاسی اجتماعی معاویه و اقدامات امام علیه السلام

معاویه برای تثبیت جایگاه ولایتعهدی یزید نامه هائی به افراد دارای نفوذ و شخصیت های مطرح نامه نوشت عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن جعفر و امام حسین علیه السلام هر کدام نامه ای با محتوای خاص دریافت کردند ولی نامه به امام حسین علیه السلام خیلی حساب شده بود.

ولمّا بلغ الكتاب «مروان» إلى معاوية كتب رسالة إلى الحسين وهذا نصّها: أمّا بعد؛ فقد انتهت إلى أمور عنك إن كانت حقاً فإنّي لم اظنها بك رغبة عنها،

وان كانت باطله فانت اسعد الناس بمجانبتها

ولعمر الله إن من أعطى الله عهده وميثاقه لجدير بالوفاء،

وإن أحقّ الناس بالوفاء من كان في خطرک وشرفک ومنزلتک التي أنزلک الله بها فلا تنازع الي قطيعتک

«همان صلحی که معاویه فی المجلس نقض کرد» ،

و اتق الله و لاتردنّ هذه الامه في فتنه و انظر لنفسک و دينک و أمه محمد و لا يستخفنک الذين لا يؤمنون

الإمامة والسياسة ١: ١٦٣

ب: تدبیر امام حسین علیه السلام در پاسخگوئی به زیاده خواهی های معاویه

امام حسین علیه السلام با هوشمندی تمام و بصورت کیفر خواستی از عملکرد معاویه پاسخ نامه وی را تهیه و او را به چالش کشیدند که مجبور شد شخصا برای جلب توجه مردم مدینه و سران جبهه مردمی به مدینه سفر کند.

رسالة الإمام الحسين إلى معاوية:

*به انجام کار نیک می اندیشم

«أمّا بعد فقد جاءني كتابك تذكّر فيه أنّه أنتهت إليك عنّي أمور لم تكن تظنّني بها رغبة بي عنها، وأنّ الحسنات لا

يهدى لها ولا يسدّد إليها إلّا الله تعالى،

*من اكون به دنبال نبرد نیستم هرچند با حزب تو باید جنگید

وأما ما ذكرت أنه رمى إليك عنى، فإنما رقاہ الملاقون المشاؤون بالنميمة، المفرقون بين الجمع، وكذب الغاؤون المارقون، ما أريد لك حرباً ولا خلافاً، وإنى لأخشى الله في ترك ذلك منك ومن حزبك القاسطين حزب الظلمة وأعوان الشيطان الرجيم.

*تو قاتل بندگان پاک باخته ای چون حجر هستی و به عهد خود وفادار نمادی

ألست قاتل حجر وأصحابه العابدين المخبتين، الذين كانوا يستفظعون البدع و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر فقتلتهم ظلماً و عدواناً من بعد ما أعطيتهم المواثيق الغليظة و العهود المؤكده جرأء على الله و استخفافا بعهده

*تو قاتل عمرو بن حمق خزاعی هستی بعد از آنکه امان دادی!

اولست بقاتل عمرو بن الحمق الذى أخلقت و أبليت وجهه العباده فقتلته من بعد ما أعطيته من العهود...

*تو زیاد بن ابیه به پدرت ملحق کردی و او را بر جامعه مسلط ساختی!

أو لست المدعى زیادا فى الاسلام فزعمت أنه ابن ابى سفيان و قد قضى رسول الله صلى الله عليه و اله انّ الولد للفراش و للعاهر الحجر ثم سلطته على اهل الاسلام يقتلهم و يقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف يصلبهم على جذوع النخل

*گویا تو مسلمان نیستی!

سبحان الله يا معاويه ! لكأنتك لست من هذه الامه و ليسوا منك ،

*تو قاتل آن بی گناه حضرمی هستی

أو لست قاتل الحضرمى الذى كتب إليك فى زياد أنه على دين على كرم الله وجهه، ودين على هو دين ابن عمه صلى الله عليه و آله الذى أجلسك مجلسك الذى أنت فيه، ولولا ذلك كان أفضل شرفك و شرف آبائك تجشم الرحلتين: رحله الشتاء والصيف، فوضعها الله عنكم بنا منة عليكم،

*حکومت تو بزرگترین فتنه برای امت اسلامی است

وقلت فيما قلت: لا تردن هذه الأمة فى فتنه و إنى لا أعلم لها فتنه أعظم من إمارتك عليها،

*نبرد با تو جهاد ارزشمند الهیست

وقلت فيما قلت: انظر لنفسك ولدينك ولأمة محمد. وإني والله ما أعرف فضلاً من جهادك، فإن أفعَل فإنه قرْبُهُ إلى ربِّي، وإن لم أفعله فأستغفر الله لديني. وأسأله التوفيق لما يحب ويرضى،

*نصيحت امام به معاويه

وقلت فيما قلت: متى تكذني أكذك، فكذني يا معاوية ما بدا لك، فلعمري لقديماً يكاد الصالحون وإني لأرجو أن لا تضرّ إلفسك ولا تمحق إلعملك فكذني ما بدا لك، وأتق الله يا معاوية،

واعلم أن لله كتاباً لا يغادر صغيرة ولا كبيرة إلا أحصاها،

*از واگذاری حکومت به یزید پرهیز کن

واعلم أن الله ليس بناس لك قتلک بالظنّة، وأخذك بالتهمة، وإمارتك صبيّاً يشرب الشراب ويلعب بالكلاب، ما أراك إلا قد أوبقت نفسك، وأهلكت دينك، وأضعت الرعيّة والسلام»

الإمامة والسياسة ١: ١٦٤، جمهرة الرسائل ٢: ٦٧، ورواه الكشي في رجاله ٤٨-٥١ والمجلسي في البحار ٤٤: ٢١٢

امام عليه السلام در جلسه ای در مدینه که ابن عباس هم حضورداشت با استدلال های متقن معاویه را محکوم کرد که معاویه با آن زیرکی و پر روئی که داشت متحیر ماند به بخشهایی از نامه اشاره می کنیم:

هیئات هیئات یا معاویه فضح الصبح فحمة الدجی و بهرت الشمس انوار السرج و لقد فضلت حتی افرطت و استأثرت حتی اجحفت و منعت حتی بخلت و جرت حتی تجاوزت ما بذلت لذی حق من اسم حقه من نصیب حتی اخذ الشیطان حظّه الاوفر ونصیبه الاكمل

و فهمت ما ذکرته عن یزید من اکتامه و سیاسته لامه محمد صلی الله علیه واله ترید ان توهم الناس فی یزید کأنک تصف محجوباً او تنعت غائباً او تخبر عما کان مما احتویته بعلم خاص و قد دلّ یزید من نفسه علی موقع رأیه فخذ لیزید فیما أخذ به من استقرائه الكلاب المهارشۀ عند التحارش و الحمام السبق لأترابهنّ و القیان ذوات المعازف و ضروب الملاهی تجده ناصراً

و دع عنک ما تحاول فما اغناک ان تلقی الله بوزر هذا الخلق باکثر مما انت لاقیه!...

.....ترید ان تلبس الناس شبهةً یسعد بها الباقي فی دنیاہ و تشقی بها فی آخرتک انّ هذا لهو الخسران المبين و استغفرالله لی و لکم

الامامة و السياسة ١/١٩٥

وضعیت فکری فرهنگی در شام

مردم به منش حاکم زیاده خواه و اقتدار طلب تربیت شدند اسلام اموی به دنبال حاکم سازی تفکر خود با تغییر اسلام ناب و تطبیق آن با دست ساخته خود بود نمونه هائی بارز از برنامه های فکری فرهنگی عبارتند از:

(۱) بدعتگذاری

الف . حذف بسم الله و تکبیر در نماز

روی الشافعی کما نقل الفخر الرازی: أن معاویه قدم المدینة فصلی بهم و لم یقرأ بسم الله الرحمن الرحیم و لم یکبر عند الخفض إلى الركوع و السجود فلما سلم ناداه المهاجرون و الأنصار یا معاویه سرقت من الصلاة أين بسم الله الرحمن الرحیم و أين التکبیر عند الرجوع و السجود ثم إنه أعاد الصلاة مع التسمیة و التکبیر

روح المعانی / ج ۱ / ۴۶

وقتی معاویه به مدینه وارد شد در نماز بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت نکرد و به هنگام رکوع و سجود تکبیر نگفت که مهاجر و انصار بر او اشکال گرفتند که معاویه نماز را از ما سرقت کردی بسم الله و تکبیر نماز چه شد؟ آنگاه معاویه نماز را با بسم الله و تکبیر اعاده کرد.

تفسیر کبیر فخر رازی ۲۰۴/۱

ب. خود را مالک بیت الله می دانست ، ابراهیم بن عقیل بصری نقل می کند روزی معاویه در حضور صعصعه و تعدادی از بزرگان گفت: الارض لله و انا خلیفه الله فما أخذ من مال الله فهو لی و ما ترک منه کان جائزاً لی..

صعصعه به او گفت:

تمنیک نفسک ما لایکون جهلاً مُعَاوِیَ لا تأثم

الغدیر ۱۷۶/۱۰ به نقل از جمهره الخطب العرب ۲۵۷/۱

ج. اضافه کردن اذان در نماز عیدین ، شافعی می گوید معاویه در شام برای اولین بار اذان را در نماز عید اضافه کرد و حجاج در مدینه تکرر کرد.

الغدیر ۱۹۱/۱ به نقل از الام شافعی ۲۰۸/۱

ابن حزم می گوید بنی اُمیه تأخیر برای خروج نماز عید و تقدیم خطبه و اذان و اقامه نماز عید را بدعت گذاشتند. الغدیر ۱۹۲/۱ به نقل از المحلی ابن حزم ۸۲/۵

د. نماز جمعه را یک بار روز چهارشنبه و در موردی دیگر قبل از ظهر روز جمعه خواند.

ه . فتوا به جمع بین الأختین

این فتوای معاویه در مقابل نص صریح قرآن است که فرمود: حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ... أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ ...

(۲۳ نساء) در المثنور ۱۳۷/۲

از این نمونه بدعتگذاری ها معاویه فراوان است.

(۲) جعل حدیث

پیش از این به مواردی جعل حدیث علیه امام علی علیه السلام اشاره کردیم از جمله جعلی که سمرة بن جندب با دریافت ۴۰۰ هزار درهم انجام داد.

و جعل احادیثی در فضائل معاویه و سر زمین شام

اضواء علی السنه المحمديه محمود ابو ریّه ص ۱۲۸

(۳) ترویج قصه گوئی و اسرائیلیات و رشد فعالیت های کعب الاحبار

اضواء علی السنه المحمديه محمود ابو ریّه ص ۱۸۱

(۳) تبلیغات ، غوغاسالاری در موسم حج

(۴) در نهج البلاغه نامه علی علیه السلام به قثم بن عباس آمده: أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ عَيْنِي بِالْمَغْرِبِ كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي إِنَّهُ

وَجَّهَ إِلَيَّ الْمَوْسِمِ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ الْعَمَى الْقُلُوبِ الصُّمِّ الْأَسْمَاعِ الْكَمَةِ الْأَبْصَارِ الَّذِينَ يَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ يُطِيعُونَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ... فاقم علی ما فی یدیک قیام الحازم الصلیب و الناصح اللیب.. نهج

البلاغه نامه ۳۳

(۵) برخورد گزینشی با مسلمانان

معاویه بر خلاف آموزه های پیامبر اسلام که فرمود: أخرج ابن مردويه و البيهقي عن جابر بن عبد الله قال خطبنا رسول الله صلى الله عليه و سلم في وسط أيام التشريق خطبة الوداع فقال يا أيها الناس الا ان ربكم واحد ألا أن أباكم واحد ألا لا فضل لعربي على عجمي و لا لعجمي على عربي و لا لأسود على أحمر و لا لأحمر على أسود الا بالتقوى ... ألا هل بلغت قالوا بلى يا رسول الله قال فليبلغ الشاهد الغائب الدر المثنور في التفسير بالمأثور ۹۸/ ۶

عجم ها را به عنوان شهروند درجه می شناخت و سهم آنان از بیت المال را کمتر از عرب ها می پرداخت و کارهای سخت همانند راه سازی ، قطع درختان و جنگ را به دوش آنان می گذاشت و عجم ها نمی توانستند زن عرب اختیار کنند و یا امامت جماعت بشوند و در آخرین نامه اش به زیاد بن سمیه نوشت :

... يَا أُخِي لَوْ أَنَّ عُمَرَ سَنَّ دِيَةَ الْمَوَالِي عَلَى النَّصْفِ مِنْ دِيَةِ الْعَرَبِيِّ فَذَلِكَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى لِمَا كَانَ لِلْعَرَبِ فَضْلٌ عَلَى

الْعَجْمَ فَإِذَا جَاءَكَ كِتَابِي هَذَا فَأَذِلَّ الْعَجْمَ وَ أَهْنُهُمْ وَ أَقْصِهِمْ وَ لَا تَسْتَعِنُ بِأَحَدٍ مِنْهُمْ وَ لَا تَقْضِ لَهُمْ حَاجَةً فَوَ اللَّهُ إِنَّكَ
لَأَبْنُ أَبِي سُفْيَانَ خَرَجْتَ مِنْ صُلْبِهِ وَ قَدْ كُنْتَ حَدَّثْتَنِي وَ أَنْتَ يَا أَخِي عِنْدِي صَدُوقٌ... بحار الأنوار ۲۶۳ / ۳۳

این در حالی است که دربار شدید به عجم ها نیازمند بود و اعلام می کرد سزاوار است که امور دیوان، نویسندگان و امور خراج به دست عجم ها باشد که به این امور خبیر هستند.

تاریخ یعقوبی ۲۳۴/۲

۶) اجازه نفوذ به بیگانگان

از کعب الاحبار یهودی و سرجون مسیحی و فرزندش منصور به عنوان های مختلف مانند کاتب، مستشار و وزیر مالیه حکومت استقبال می گردید.

تاریخ یعقوبی ۲۳۲/۲

الکامل ۵۲۷/۳ و معاویه بن ابی سفیان فی المیزان ۱۶۸

ابن اُتال نصرانی مسئولیت خراج را عهده دار بود و به دستور معاویه عبدالرحمن بن خالد بن ولید را که در حمص موقعیت خوبی پیدا کرده بود مسموم ساخت. تاریخ یعقوبی ۲۲۳/۲

مسائل فکری فرهنگی جبهه حق

الف. توجه به حفظ اساس اسلام

امام کشتی اسلام را از میان تمام امواج سهمگین و طوفانهای ویرانگر دنیا طلبی بنی امیه به پیش برد و حافظ راه صحیح اسلام بود و در این مسیر محرومیتها و مرارتهای فراوانی را بر خویش به جان خرید.

ب. تبیین جایگاه اهل بیت و معرفت آن

امام در فرصت های مختلف به تبیین جایگاه اهل بیت و شرائط پیروی پرداختند از امام صادق علیه السلام نقل شده:
خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَكَرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ
عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمَّيْ فَمَا مَعْرِفَةُ
اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي تَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. تفسير نور الثقلين ج ۵ ۱۳۲ به نقل از علل
الشرايع ۹/باب ۹ ح ۱

ج. توجه به افراد آسیب پذیر جامعه اسلامی

المناب لابن شهر آشوب عمرو بن دينار قال: دخل الحسين ع على أسامة بن زيد وهو مريض وهو يقول وا عماء فقال له الحسين ع وما عمك يا أخي قال ديني وهو ستون ألف درهم فقال الحسين هو على قال إني أخشى أن أموت فقال الحسين لن تموت حتى أفضيها عنك قال فقضاها قبل موته. مناقب ٦٥/٤

د. روشنگری برای علماء ودعوت به یاری حق

مِنْ كَلَامِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فِي الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ:

اعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوءِ ثَنَائِهِ عَلَى الْأَحْبَارِ إِذْ يَقُولُ لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَقَالَ: لَعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَى قَوْلِهِ: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرُونَ مِنَ الظُّلْمَةِ الَّذِينَ بَيْنَ أَظْهُرِهِمُ الْمُنْكَرَ وَالْفَسَادَ فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنْ ذَلِكَ رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَحْذَرُونَ وَاللَّهُ يَقُولُ فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ: الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةً مِنْهُ لِعِلْمِهِ بِأَنَّهَا إِذَا أَدَّيْتِ وَأَقِيمْتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيْئَتُهَا وَصَعْبَتُهَا وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظُّلْمِ وَقِسْمَةِ الْفِيءِ وَالْغَنَائِمِ وَأَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَوَضْعِهَا فِي حَقِّهَا ثُمَّ أَنْتُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ عِصَابَةُ الْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَبِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ يَهَابُكُمْ الشَّرِيفُ وَيُكْرِمُكُمْ الضَّعِيفُ وَيُؤَثِّرُكُمْ مَنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طَلَابِهَا وَ تَمْشُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَ كَرَامَةِ الْأَكَابِرِ أَلَيْسَ كُلُّ ذَلِكَ إِنَّمَا نَلْتُمُوهُ بِمَا يُرْجَى عِنْدَكُمْ مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُمْ عَنْ أَكْثَرِ حَقِّهِ تَقْصِرُونَ فَاسْتَحْفَفْتُمْ بِحَقِّ الْأَيْمَةِ فَأَمَّا حَقُّ الضُّعْفَاءِ فَضَيِّعْتُمْ وَ أَمَّا حَقُّكُمْ بِزَعْمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ فَلَا مَالَ [مَالًا] بَدَلْتُمُوهُ وَ لَا نَفْسًا خَاطَرْتُمْ بِهَا لِلَّذِي خَلَقَهَا وَ لَا عَشِيرَةً عَادَيْتُمُوهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ

تحف العقول ١٧١

عوامل و زمینه های وقوع حادثه کربلاء

هدف: تبیین زمینه ها و عوامل قیام امام حسین علیه السلام و برخی از رخداد های عاشورا

امام حسین علیه السلام تا معاویه زنده بود قیام نفرمودند و در مقابل نامه جعده بن هیبره بن ابی وهب که از یاران مخلص کوفی امام بود و از امام دعوت به قیام کرده بود نوشتند:.... و اما انا فلیس رأیی الیوم ذاک فألصقوا رحمکم الله بالارض و اکمنوا فی البیوت و احترسوا من الظننه مادام معاویه حیاً فان یحدث الله به حدثاً و انا حی کتبت الیکم برأیی و السلام

حیاه الامام الحسین علیه السلام ۲/۲۳۰ به نقل از اخبار الطوال ۲۳۰ و انساب الاشراف ۱/۱ ق ۱

۱) دفاع از کیان اسلام و انحراف آن

امام حسین علیه السلام در تبیین علت قیام خویش به سخن رسول الله صلی الله علیه و آله استناد کردند که فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ، نَاكِثًا بِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ،

و در ادامه به هفت مورد از اقدامات خلاف دین حکومت یزید پرداخته فرمودند: أَلَا وَإِنْ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَلُوا الْحُدُودَ، وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفَيْءِ وَ أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ، وَ حَرَّمُوا حَلَالَهُ وَ أَنَا أَحَقُّ مِمَّنْ غَيَّرَ

الکامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۶۸؛ الطبری فی تاریخه، ج ۶، ص ۲۲۹

۲) یزید حاکم غاصب و نالایق

یزید به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد نداشت و با استناد به اشعار ابن الزبیری گفت:

من بنی أحمد ما کان فعل

لست من خندق إن لم انتقم

خبر جاء ولاوحی نزل

لعبت هاشم بالملک فلا

حیاه الامام الحسین ع ۲/۱۸۷ به نقل از البدایه و النهایه ۸/۱۹۲

امام نمی توانستند ساکت بمانند و شاهد چنین تفکر در حاکمیت جهان اسلام باشند.

مروان در راستای به کرنش آوردن امام علیه السلام از راه دلسوزی در آمد و به امام علیه السلام عرض کرد: ائی ناصح فأطعنی ترشد و تسدد .. فقال الامام: وما ذاك يا مروان؟

قال مروان انى امرک ببيعه امير المؤمنين يزيد فانه خير لك فى دينك و دنياک فرد عليه الامام عليه السلام ببلغ منطقہ قائلاً:

على الاسلام السلام اذ قد بُليت الامه براعٍ مثل يزيد...سمعت جدى رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: الخلافة محرمة على آل ابى سفيان و على الطلقاء و ابناء الطلقاء فاذا رأيتم معاويه على منبرى فابقروا بطنه فو الله لقد رأه اهل المدينة على منبر جدى فلم يفعلوا ما أمروا به

فتوح البلدان ابن اعثم ۱۷/۵ و مقتل الحسين ع للخوارزمي ۱۸۴/۱

۴) وجود داوطلبان جان برکف

توسط شیعیان کوفه نامه های زیادی برای امام نوشته شده بود و از ایشان دعوت کرده بودند به کوفه بروند شخصیت هائی همچون سلیمان بن سرد خزاعی، مُسیب بن نَجَبَه، رُفاعة بن شداد و حبيب بن مظاهر و گروهی دیگر چون شبت بن ربعی، حجار بن ابجر، یزید بن الحارث، عروه بن قیس، عمرو بن حجاج الزبیدی و محمد بن عمیر التمیمی (این افراد روز عاشورا در مقابل امام ایستادند) نیز نامه نوشتند: اما بعد، فقد اخضرّ الجناب و اینعت الثمار فاقدم على جندک مجنده والسلام

ارشاد ۳۸/۲ تاریخ طبری ۲۶۲/۴ الفتوح ابن اعثم ۳۳/۵

به نوعی این دعوتنامه اتمام حجتی است برای امام علیه السلام، ایشان در پاسخ مرقوم فرمودند:

أما بعد؛ فإنّ هائناً وسعيداً قدما علىّ بكتبكم، وكانا آخر من قدم علىّ من رسلکم، وقد فهمت كلّ الذى اقتصصتم و ذکرتم، ومقاله جلكم أنه ليس علينا إمام فاقبل لعلّ الله أن يجمعنا بك على الحقّ والهدى، وإني باعث إليكم أخی وابن عمى وثقتى من أهل بيتى مسلم بن عقيل، فإن كتب إلى: أنّه قد اجتمع رأى ملككم وذوى الحجى والفضل منكم على مثل ما قدمت علىّ به رسلکم، وقرآته فى كتبكم، فإننى أقدم عليكم وشيکاً إن شاء الله، فلعمري ما الإمام إلّا الحاكم بالكتاب، القائم بالقسط، الدائن بدين الحق، الحابس نفسه على ذات الله والسلام

ارشاد ۳۹/۲ فتوح ابن اعثم ۳۵/۵ اعلام الوری ۴۳۶/۱

امام علیه السلام در روایا روئی لشکر حرّ بن یزید ریاحی اشاره به همین نامه ها کردند و فرمودند:... قد أتتني كتبكم و

قدمت علیّ رسولکم بیعتکم و انکم لاتسلمونی و لاتخذلونی...

تاریخ طبری ۳۰۴/۴ و الکامل فی تاریخ ۲۸۰/۳

(۵) آزاد مردی چون امام حسین علیه السلام نمی تواند تحت حکومت فاسق باشد

امام در مقابل فشارها برای بیعت با یزید فرمود:

أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ: بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ، وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ، يَا بَنِي اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَحُجُورٌ طَهَّرَتْ..

لهوف سید بن طاووس ۴۳ اعیان الشیعه ۶۰۳/۱

و یا فرمود: وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أُقِرُّ لَكُمْ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ، يَا بَنِي اللَّهِ ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَحُجُورٌ طَابَتْ

وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ زَكِيَّةٌ مِنْ أَنْ نُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللَّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ

و یا فرمود: مثلی لایباع مثله

خروج امام علیه السلام از مدینه و حماسه بزرگ و ماندگار عاشوراء

امام شب یکشنبه ۲۹ رجب سال ۶۰ هجری به همراه خانواده و جمعی از برادران و خواهران و فرزندان از مدینه

خارج شدند هنگام خروج محمد حنفیه از روی شفقت و مهربانی به امام عرض کرد شما محبوبترین و عزیزترین

بر من هستید از بیعت با یزید بپرهیزید و به شهرهای دور بروید اگر مردم با شما بیعت کردند سپاس خدا گوئید که

به تکلیف عمل کرده اید و در غیر این صورت خوف دارم بین شما و یاران و طرفداران حکومت درگیری و کشتار

رخ دهد... امام در پاسخ او فرمودند: یا اخی قد نصحت و أشفقت و ارجو أن یکون رأیک سدیداً موفقاً فسار

الحسین علیه السلام الی مکه و هو یقرء: فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِئِفاً يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (قصص - ۲۱)

ارشاد مفید ۳۵/۲

در هنگام خروج دو وصیت داشتند

انّ الحسین یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و انّ محمداً عبده و رسوله جاء بالحق من عنده و انّ الجنة حق

و النار حق و الساعة آتیة لا ریب فیها و انّ الله یبعث من فی القبور

شاید حکمت بیان شهادت به اعتقادات و اصول دین پاسخی باشد برای آنانی که امام را به خارجی و بیرون رفته از

امت پیامبر صلی الله علیه و آله متهم می کردند و در ادامه اهداف قیام خود را اعلام داشتند:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيراً وَلَا بَطْراً وَلَا مُفْسِداً وَلَا ظالماً وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ

وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِي وَ أَبِي عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ

هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

ب وصیت به ام سلمه همسر پیامبر

قال ابو جعفر عليه السلام لما توجه الحسين عليه السلام الى العراق و دفع الى ام سلمه زوجه النبي صلى الله عليه واله الوصيه و الكتب و غير ذلك قال لها: اذا اتاك اكبر ولدى فادفعي اليه ما قد دفعت اليك فلما قتل الحسين عليه السلام أتى على بن الحسين عليه السلام ام سلمه فدفعت اليه كل شئ اعطاها الحسين عليه السلام

الغيبه للطوسي ۱۱۸ اثبات الهداء ۲۱۴/۵

• در انتخاب مسیر حرکت بعضی پیشنهاد حرکت از راه های فرعی را دادند ولی امام نپذیرفتند و از راه اصلی

طی طریق کرده فرمودند: لا والله لا افارقه حتى يقضى الله ما هو قاض ارشاد مفید ۳۵/۲

مناسب ترین محل برای توقف موقت مکه بود و امام تصمیم گرفتند برای چند ماه در مکه ساکن شدند.

و در شب جمعه سوم شعبان وارد مکه شدند در حالیکه این آیه را قرائت می فرمود:

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ قِصَص ۲۲

معتمرین و أهل الآفاق، و عبدالله بن زبیر مکرر از امام استقبال کردند در عین حال سایه حضور امام در مکه بر ابن زبیر سنگینی می کرد زیرا مردم از امام استقبال خوبی داشتند.

بررسی حادثه بزرگ عاشورا و شهادت امام عليه السلام

حکومت تمامیت خواه یزید در درجه اول به دنبال گرفتن بیعت از امام حسین بود زیرا:

الف در اختیار گرفتن قله محبوبیت ملی همانند امام حسین عليه السلام یعنی تسلیم تمام شخصیت‌های مخالف یزید

ب مشروعیت بخشی به حکومت خویش که حتی حسین بن علی علیهما السلام نیز در مقابل این حکومت تضرع کرده است.

در صورت عدم دسترسی به خواسته اش از هیچ فعالیتی در از سر راه برداشتن امام حسین عليه السلام دریغ نمی کرد تا درس عبرتی برای بقیه باشد.

امام خوب می دانست که آنان دست بردار نیستند از این رو به محمد بن حنفیه که از امام می خواست به شهرهای دور دست سفر کنید فرمود: «لو دخلت فی جحر هامة من هذه الهوام لاستخرجوني حتى يقتلونى» و یا به جعفر بن سلیمان الضبعی فرمود: (والله لا يدعونى حتى تستخرجوا هذه العلقه «قلب» من جوفى) زیرا از معاویه شنیده بود که گفت: يا ابا عبدالله علمت انا قتلنا شيعة ابيك فحنطناهم و كفناهم و صلينا عليهم و دفناهم...

برای امام جز دو راه باقی نمانده بود یا در مکه بماند و طیّ یک صحنه ساختگی حکومت به شهادت برسد و خون امام احیاگر نباشد و از یادها برود و یا آنکه پرچم احیاء دین و اصلاح امت پیامبر را به دوش گیرد و عزتمندانه جان خویش را در مسیر هدف مقدسش نثار کند که امام راه دوم را انتخاب کرد و خواهر گرامیش در مجلس عبیدالله وقتی سؤال کرد: كَيْفَ رَأَيْتَ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ؟ فرمود: مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ سَيِّجَمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَتُحَاجُّ وَ تُخَاصِمُ فَانظُرْ لِمَنْ يَكُونُ الْفَلْحُ يَوْمَئِذٍ هَبْلَتَكَ أُمَّكَ يَا بِنَ مَرْجَانَهُ.. آن گاه عبیدالله گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ وَ أَكْذَبَ أَحْدُوْتَكُمْ ... که عقيله بنی هاشم پاسخ فرمود: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِبَنِيهِ مُحَمَّدٌ وَ طَهَّرَنَا مِنَ الرَّجْسِ تَطْهِيرًا، وَأَمَّا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ

پرسش:

۱) سه عامل از عوامل قیام امام حسین علیه السلام را شرح دهید.

۲) چرا امام مدینه و مکه را ترک کردند؟

۳) شهادت امام چه تأثیری در کاخ یزید ایجاد کرد؟

پیامدهای قیام کربلاء با تکیه بر قیام های شیعی

پیامدهای قیام کربلاء را باید در فضاهاى جداگانه مورد ملاحظه قرار داد.

الف ابتکار عمل در دست کاروان اسیران

اساس گناه و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران مظلومش موجب سرافکندگی دولت اموی گشته بود ولی آنان برای تسلط بر اوضاع با برگزاری جشن و خوشحالی به دنبال تحریف واقعیات و دگرگون جلوه دادن واقعیات بودند که یادگاران حسینی در احیای پیام های عاشورا هرکدام به نوبه خود اقدام به روشنگری کردند.

(۱) خطبه حضرت زینب در کوفه

ایشان با آنکه غمگین و مصیبت زده بود در راه روشنگری اهداف قیام امام حسین علیه السلام با لحنی کوبنده، مستدل و درعین حال عاطفی مانند پدر بزرگوارش خطبه خواند و با بیان ضعف های اجتماعی: هَلْ فِيكُمْ أَلَا الصَّلَفُ وَالْعَجْبُ وَالشَّنْفُ وَالْكَذِبُ وَمَلَقُ الْإِمَاءِ وَغَمَزُ الْأَعْدَاءِ، او كَمَرَعَى عَلَى دِمْنَهُ أَوْ كَفِضَهُ عَلَى مَلْحُودَهُ، أَلَا بئسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ به تبیین عملکرد آنان و صفحه سیاهی که از خود به جا گذاشتند پرداخت و فرمود:

اتَدْرُونَ وَ يَلِكُمْ أَى كَبِدٍ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ فَرِئْتُمْ؟! وَ أَى عَهْدٍ لَهُ نَكثْتُمْ؟! وَ أَى كَرِيمَةٍ لَهُ ابْرَزْتُمْ؟! وَ أَى حُرْمَةٍ لَهُ هَتَكْتُمْ؟! وَ أَى دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ؟! لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً إِذَا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدَأً! لَقَدْ جِئْتُمْ بِهَا شَوْهَاءَ صَلْعَاءَ عَنُقَاءَ سَوْدَاءَ فَقَمَاءَ خَرْقَاءَ الْأَرْضِ وَ مِلءَ السَّمَاءِ ۥ

امالی المفید ۳۲۱ و امالی الطوسی ۹۰/۱ و مناقب آل ابی طالب ۱۱۵/۴

(۲) خطبه فاطمه بنت الحسین علیه السلام

ایشان نیز با بلاغت و فصاحت پس از حمد الهی و درود به پیامبر صلی الله علیه و آله به توضیح راه معصومان و شاخص های راه دیگران پرداخت و فرمود:

یا أهل الكوفة، یا أهل الغدر والمکر والخیلاء، إنا أهل البيت ابتلانا الله بكم، وابتلاكم بنا، فجعل بلائنا حسنا .. فكفرتمونا، وكذبتمونا، ورأيتم قتالنا حلالاً، وأموالنا نهباً .. كما قتلتم جدنا بالأمس، وسيوفكم تقطر من دمائنا أهل البيت.

تباً لكم، فانظروا اللعنة والعذاب، فكأن قد حلَّ بكم ... ويذيق بعضكم بأس ما تخلدون في العذاب الأليم يوم القيامة

بما ظلمتمونا، ألا لعنة الله على الظالمين.

الاحتجاج ١٠٤/٢ بحار الأنوار ١١٠/٤٥

(٣) خطبه امام سجاد عليه السلام

امام نیز با تنی خسته و قلبی داغدار ولی روحی مُلهم از الطاف الهی با شیوه ای استدلالی و سرشار از عاطفه فرمود:
ایها الناس اُنشدکم الله هل تعلمون اَنکم کتبتُم الی اُبی و خَدَعْتُموه و اَعْطیتُموه من اَنفُسکم العهد و الميثاق، ثم قاتلتُموه و خَدَلْتُموه؟ بأی عین تنظرون الی رسول الله صلی الله علیه و آله، یقول لکم: قاتلتُم عِترتی، و انتَهکتُم حُرمتی، فلستم من اُمتی..

الاحتجاج ١١٧/٢

امام با آرامش تمام وجدان خفته آنان را بیدار کرد از غدر و بی وفائی آنان یاد کردند که اعلام داشتند: انا حرب ل حربکم و سلم لسلمک لناخذن یزید لعنه الله و نبرأ ممن ظلمک..

الاحتجاج ١١٧/٢

ب در فضای دستگاه حاکمه

(١) سرگشتگی و بحران تصمیم گیری در دربار

روشنگری های حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام ضمن رسوائی حکومت دربار را با بحران رو برو کرد تا آنجا که هیچ کس حاضر به پذیرفتن جنایت کربلا نبود و هر کدام از یزید و ابن زیاد گناه را به گردن دیگری می انداخت یزید می گفت:

و ما علمت بخروج ابي عبدالله حين خرج و لا بقتله حين قتله» الامامه و السیاسه ٨/٢

یا گفت: لعن الله ابن سمیه اما انی لو کنت صاحبه لعفوت عنه.. تجارب الامم ٧٤/٢

و یا: ... لکن عبید الله بن زیاد لم یعلم رأیی فی ذلک فَعَجَّلَ علیه بالقتل فقتله ..

مقتل الحسين خوارزمی ٨٠/٢

ذهبی می نویسد: لما قتل عبیدالله الحسين و اهله بعث برؤوسهم الی یزید فسرَّ بقتلهم اولاً ثم لم یلبث حتی ندم علی قتلهم .. سیر اعلام النبلاء ٣٧/٣

و آنانی که دنبال گرفتن جایزه دربار در به شهادت رساندن امام بودند زیانکار و پشیمان شدند شهادت آن

حضرت قدرت تدبیر و اقتدار ظاهری را از کاخ نشینان شام گرفت.

(۲) یزید اسیر اعمال خود و به ظاهر در خدمت اهل بیت علیهم السلام

الف: اشک و ناله در حرمسرای یزید

باورود سر امام حسین علیه السلام به دربار و اطلاع بانوان حرمسرا از ورود سر امام علیه السلام و بانوان اهل بیت آن حضرت به کاخ یزید گریستند.

قال البلاذری: وصیح نساء من نساء یزید بن معاویه و ولولن حین أدخل نساء الحسین علیهنّ

انساب الاشراف ۴۱۷/۳

طبری به اسنادش از حارث بن کعب نقل می کند: فخرجنّ حتی دخلنّ دار یزید فلم تبق من آل معاویه امرأة الا استقبلتهنّ تبکی تنوح علی الحسین

تاریخ طبری ۳۵۳/۴ الکامل فی التاریخ ۸۶/۳

در میان همسران یزید هند بنت عبدالله بن عامر بن کریز گریه وزاری و بی تابی نمود و یزید را نسبت به کارش تقبیح کرد که یزید گناه را به گردن عبیدالله انداخت:

و خرجت هند بنت عبدالله بن عامر... فشققت الستر و هی حاسرة فوثبت علی یزید و قالت رأس ابن فاطمه مصلوب علی باب داری؟ فغطاها یزید و قال: نعم فاعولی علیه یا هند و ابکی علی ابن بنت رسول الله صریخه قریش عجل علیه ابن زیاد فقتله قتله الله

مقتل خوارزمی ۷۳/۲

ب اقامه عزاء در کاخ یزید

قال ابن سعد: و أمر «یزید» نساء آل ابی سفیان فأقمن المأتم علی الحسین ثلاثة ایام فما بقیت منهن امرأة الا تلقّتنا تبکی و تتحب و نحن علی حسین ثلاثة

طبقات الکبری ۸۳ و سیر اعلام النبلاء ۳۰۳/۳

ج اشک تصنعی یزید

یزید در فرار به جلو و اظهار همدردی اشک ریخت: فبکی یزید حتی کادت نفسه تفیض! و بکی اهل الشام حتی اعلت اصواتهم

الامامة و السياسة ٨/٢

د تغییر محل اسکان اهلیت

قال ابن قتیبة: «قال یزید» خلّوا عنهم و اذهبوا بهم الی الحمام و اغسلوهم و اضربوا علیهم القباب ففعلوا و
أمال علیهم المطبخ و کساهم و اخرج لهم الجوائز الكثيرة من الاموال و الکسوة

الامامة و السياسة ٨/٢

ج در فضای جامعه و اجتماع

بازتاب روشنگری ها پیام آوران عاشورا نسبت به انجام این گناه بزرگ در جامعه

(۱) نارضایتی عمومی

یزید با رو به رو شدن با این شرایط اعلام کرد: لعن الله ابن مرجانه! لقد بغضنی الی المسلمین و زرع فی قلوبهم
البغضاء تذکرة الخواص ٢٦٥

(۲) نارضایتی در جامعه خواص

روی سبط ابن الجوزی: لما فعل یزید برأس الحسین ما فعل تغیرت وجوه اهل الشام و انکروا علیه ما فعل

مع الרכب الحسینی ٢٥٦/٦ به نقل از عبرات المصطفین ٢٨٤/٢

(۳) نارضایتی در نظامیان یزید

روی ابن الجوزی عن مجاهد: نافق «یزید» فیها ثمّ و الله ما بقی فی عسکره أحد الاّ ترکه ای عابه و ذمه

الرد علی المتعصب العنید ٤٧ و نحوه البداية و النهاية ١٩٢/٨

د یزید در مشورت با شخصیت‌های شام

قال نعمان بن بشیر: انظر ما کنت تری أن رسول الله صلی الله علیه و آله یفعله فیهم لو کان حیاً، فافعله فبکی یزید..

شرح الاخبار ٢٦٨/٣

قال المفید: ثم ندب یزید نعمان بن بشیر و قال له: تجهّز لتخرج بهؤلاء النسوان الی المدینه

فشار اجتماعی یزید را مجبور ساخت تا با امام سجاد علیه السلام و کاروان اسرا تغییر روش دهد و از خرابه بیرون آورند و برای شهدا مراسم بگیرند و با انجام اقداماتی تألمات روحی مردم را تسکین و از نافرمانی عمومی و شورش مردمی جلوگیری کند.

در بازگشت اهل بیت امام حسین علیه السلام به مدینه، مدینه سراسر ناله و اندوه گردید: روی الشيخ المفید عن مبعوث ابن زیاد الی المدینه: فلم اسمع والله واعیة قط مثل واعیة بنی هاشم فی دورهم علی الحسین بن علی علیهما السلام حین سمعوا النداء بقتله..

الارشاد ۱۲۳/۲ تاریخ طبری ۳۵۶/۴

ه گروه های مردمی پس از حادثه عاشورا

۱) قیام توابین

این قیام در کوفه از ناحیه افراد جا مانده از یاری امام حسین علیه السلام با راهبری سلیمان بن سرد خزاعی آغاز و به قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی متصل شد.

۲) قیام مردم مدینه که در درس های بعد توضیح داده خواهد شد.

۳) قیام مختار

مختار توانست با تدابیر لازم قتل کربلاء را دستگیر و به سزای اعمالشان برساند.

قیام مطرف بن مغیره

در سال ۷۷ هجری در مقابل دولت مروانی قیام کرد: فَقَالَ مطرف: مَا دَعَوْتُمْ إِلَّا إِلَىٰ حَقٍّ، وَلَا أَنْكُرْتُمْ إِلَّا مَنْكِرًا، وَلَا نَقَمْتُمْ إِلَّا جُورًا ظَاهِرًا، وَأَنَا لَكُمْ عَلَىٰ مِثْلِ هَذَا مُتَابِعٌ، فَأَجِيبُونِي إِلَىٰ مَا أَدْعُوكُمْ إِلَيْهِ يَجْتَمِعُ أَمْرِي وَأَمْرُكُمْ، وَتَكُنْ يَدِي وَأَيْدِيكُمْ وَاحِدَةً.

قالوا : هات اذكر ما تريد أن تذكر ، قَالَ مطرف : ادعوكم إلی أن نقاتل هؤلاء الظلمة الغاصبين علی ما أحدثوا وندعوهم إلی الكتاب والسنة ، وأن يكون هذا الأمر شوری بین المسلمین یولون من ارتضوه.... وسار مطرف حتّی نزل بقرب أصبهان ، ثمّ صار إلی ناحية قم وقاشان..... وَكَانَ مطرف قد كتب كتبه بالدعاء ، وبث دعائه فی النواحي فأجابه خلق من النَّاس ، فكتب البراء إلی الحجاج : إن كانت لك فی أصبهان وغير أصبهان حاجة ، فابعث إلی مطرف جيشا كثيفا یستأصله ، فإنه لا تزال العصابة بعد العصابة تأتيه فقد كثرت تابعته ، واستفحل أمره ، واشتدت شوکته

أنساب الأشراف للبلاذری ، خبر مطرف بن المغیره بن شعبه الثقفی وخروجه

قیام های دیگری همچون قیام محمد ابن اشعث، زید بن علی بن الحسین علیهم السلام و ... انجام شد که هر کدام به نوعی الهام گرفته از قیام و شهادت امام حسین علیه السلام می باشد.

تاریخ طبری ۴۲۶/۴ تا ۴۸۷ و مقاتل الطالبیین ۱۳۵ و ۵۲۳

پرسش:

۱) محور اصلی خطبه های کاروان اسیران کربلاء کدام موضوع است؟

۲) چرا یزید با یادگاران امام حسین علیه السلام به ظاهر همراهی کرد؟

۳) شهادت امام چه تأثیری در کاخ یزید ایجاد کرد؟

جلسه یازدهم

امامت امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام در واقعه عاشوراء

قال حمید بن مسلم : لقد كنت ارى المرأة فى نسائه و بناته... ثم انتهينا الى على بن الحسين (عليه السلام) وهو منبسط على فراش و هو شديد المرض و مع شمر جماعة من الرجاله فقالوا له: الا تقتل هذا العليل؟ فقلت سبحان الله أیقتل الصبيان؟ إنما هذا صبیّ و إنه لما به ، فلم أزل حتى دفعتهم عنه .. و جاء عمر بن سعد فصاحت النساء فى وجهه و بکین فقال لاصحابه: لا يدخل احد منكم بيوت هولاء النسوة و لاتعرضوا لهذا الغلام المريض... من أخذ من متاعهن شيئاً فليرده عليهن ، فو الله ما ردّ احدٌ منهم شيئاً

ارشاد مفید ۱۱۲/۲ وقعة الطف ابی مخنف ۲۵۶

امامت امام سجاد از روز عاشورا شروع شد.

جناب محمد حنفیه در مورد امامت و رهبری جامعه پس از شهادت امام حسین علیه السلام با توجه به جوان بودن امام سجاد علیه السلام احساس مسؤلیتی کرد و مذاکره ای با امام داشت که امام به ایشان فرمودند: إنّ أبی یا عمّ صلوات الله علیه أوصی إلىّ قبل أن يتوجه إلى العراق، و عهد إلىّ فى ذلك قبل أن يستشهد بساعة، و هذا سلاح رسول الله صلى الله عليه و آله عندى...

الكافی ۱: ۳۴۸-۵

در برخی از روایات پس از سخن به شهادت حجر الاسود رضایت دادند و حجر الاسود در مقابل

مقام امامت امام سجاد علیه السلام به فرمان خدا تعظیم و اظهار کرنش کرد.

خون حسینی در رگهای امام سجاد علیه السلام

امام در کوفه

عبیدالله بن زیاد امام سجاد علیه السلام را در جمع اسرا دید از نام آن حضرت سؤال کرد و در سؤال بعد گفت مگر علی بن حسین را خدا در کربلاء نکشت امام با شهادت به او پاسخ دادند:

«قَدْ كَانَ لِي اخٌ يُسَمَّى عَلِيًّا قَتَلَهُ النَّاسُ!»

فقال ابن زياد: بل الله قتله ، فقال علي ابن الحسين عليه السلام : (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

فغضب ابن زياد و قال و بك جراًه لجوابي و فيك بقيه للردّ عليّ؟! اذهبوا فاضربوا عنقه ، فتعلقت به عمته زينب و قالت:

«يا ابن زياد! حَسْبُكَ مِنْ دِمَائِنَا ... وَاللَّهِ لَا أَفَارِقُهُ فَإِنْ قَتَلْتَهُ فَأَقْتُلْنِي مَعَهُ»

امام برای کوبیدن عبيد الله فرمود: «اسْكُتِي يَا عَمَّتِي حَتَّى أَكَلِمَهُ!» ثم اقبل عليه و فقول:

«أَبَا الْقَتْلِ تُهَدِّدُنِي؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَ كِرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ!!»

ارشاد مفيد ٢٤٤ مقتل خوارزمي ٤٣/٢

صبر و روشنگری امام در مسیر و در شام

عبيدالله در انتقال سرهای شهدا و کاروان اسيران به شام دستور داد علي بر گردن امام عليه السلام بستند و در پيشاپيش اسيران بعد از سرها جای دادند و هدايت کاروان را مجفر بن ثعلبه و شمربن ذی الجوشن به عهده داشتند با آنکه امام در طول سفر در سختی جانکاه و از نظر روحی و جسمی بسيار در تنگنا قرار داشتند ولی: لم يكلم علي بن الحسين عليه السلام احداً منهم في الطريق بكلمة حتى بلغوا الشام

طبقات ابن سعد ١٣١ تاريخ طبري ٤٦٠/٥

و در شام

أنه لما حمل السجاد مع سائر سبايا أهل البيت إلى الشام بعد مقتل سبط رسول الله الحسين، وأوقفوا علي مدرج جامع دمشق في محلّ عرض السبايا، دنا منه شيخ

وقال: الحمد لله الذي قتلکم وأهلكکم وأراح العباد من رجالکم وأمكن أمير المؤمنين منکم.

فقال له علي بن الحسين: «يا شيخ هل قرأت القرآن».

قال: نعم.

قال: «أقرأت هذه الآية: «قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (الشورى / ٢٣).

قال الشيخ: قرأتها.

قال: وقرأت قوله تعالى: «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّةً» (الاسراء / ٢٦) وقوله تعالى: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ

خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ» (الأنفال / ٤١).

قال الشيخ: نعم.

فقال: «نحن والله القربى فى هذه الآيات، وهل قرأت قوله تعالى: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً».

قال: نعم.

قال: «نحن أهل البيت الذى خُصَّصنا بأية التطهير».

قال الشيخ: بالله عليك أنتم هم؟!!

قال: «وحق جدتنا رسول الله إنا لنحن هم؟! من غير شك».

فبقى الشيخ ساكناً نادماً على ما تكلم به، ثم رفع رأسه إلى السماء وقال:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ بَغْضِ هَؤُلَاءِ، وَإِنِّي أBRَأُ إِلَيْكَ مِنْ عَدُوِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

مقتل الخوارزمي ٢: ٦١

لما أدخل اسارى آل محمد على يزيد بن معاوية فى الشام، أمر يزيد بالخاطب أن يصعد المنبر: فقال: اصعد المنبر فخبّر الناس بمساوى الحسين و على و ما فعلا.

قال: فصعد الخاطب المنبر فحمد الله وأثنى عليه، ثم أكثر الوقيعه فى على والحسين، وأطنب فى تقرير معاوية ويزيد ...

قال فصاح على بن الحسين: ويلك أيها الخاطب! أشتريت مرضاه المخلوق بسخط الخالق! ..، ثم قال على بن الحسين! يا يزيد! أتأذن لى أن أصعد هذه الأعواد فاتكلم بكلام فيه رضا الله، ورضا هؤلاء الجلساء وأجر و ثواب، فأبى يزيد ذلك، فقال الناس: يا أمير المؤمنين إنذن له ليصعد المنبر لعلنا نسمع منه شيئاً، فقال: إنه إن صعد المنبر لم ينزل إلأبفضيحتى أو بفضيحه آل أبى سفيان ..

قال فلم يزالو به حتى صعد المنبر، فحمد الله وأثنى عليه، ثم خطب خطبه أبكى فيها العيون وأوجل منها القلوب، ثم قال:

أيها الناس! من عرفنى فقد عرفنى ومن لم يعرفنى أنباته بحسبى ونسبى، أيها الناس! أنا ابن مكه ومنى وزمزم والصفاء، أنا ابن خير من حج وطاف وسعى ولبى... ابن من صلى بملائكة السماء، أنا ابن فاطمة الزهراء، أنا ابن سيده النساء.

قال: فلم يزل يعيد ذلك حتى ضج الناس بالبكاء والنحيب، قال وخشى يزيد أن تكون فتنه فأمر المؤذن فقال: اقطع عنا هذا الكلام، قال: فلما سمع المؤذن قال الله أكبر، قال الغلام: لا شىء أكبر من الله ... فلما قال المؤذن أشهد أن

محمداً رسول الله، التفت على بن الحسين من فوق المنبر إلى يزيد، فقال: محمد هذا جدى أم جدك؟

فإن زعمت أنه جدك فقد كذبت وكفرت، وإن زعمت أنه جدى فلم قتلت عترته، فلما فرغ المؤذن من الأذان والإقامة تقدم يزيد يصلى بالناس صلاة الظهر، فلما فرغ من صلاته أمر بعلی بن الحسين وأخواته وعماته رضوان الله عليهم ففرغ لهم دار فنزلوها، وأقاموا أياماً يبكون وينوحون على الحسين رضى الله عنه
الفتوح ٥: ٢٤٧.

^١ محمد جواد الطبسى، على مائدة الكتاب و السنة (١٨) البكاء على الميت على ضوء السنة و السيرة، ١ جلد

گریه امام سجاد عليه السلام بر امام حسين عليه السلام:

وممن بكى على الحسين (ع) إلى أن لقي ربه هو الإمام زين العابدين (ع)، وقد بكى على والده الشهيد الحسين بن على ما يقرب من أربعين سنة، بحيث ما قدم له طعام ولا شراب إلّا وقد ذكر الحسين و مصرعه، و ما جرى على أهل بيت الرسول فى كربلاء، وحتى خيف عليه من كثرة بكائه وقيل له: أما أن لحزنك أن ينقضى

روى ابن عساكر بسنده عن محمد بن يعقوب بن سوار، عن جعفر ابن محمد قال: سئل على بن الحسين بن على بن أبى طالب عن كثرة بكائه؟ فقال: لا تلومنى، فإن يعقوب فقد سبطاً من ولده فبكى حتى ابيضت عيناه، ولم يعلم أنه مات، ونظرت أنا إلى أربعة عشر رجلاً من أهل بيتى ذبحوا فى غداة واحدة فترون حزنهم يذهب من قلبى أبداً.

تاريخ دمشق (ترجمة الامام زين العابدين): ٥٦، حلية الأولياء ٣/ ١٣٨

گریه امام سجاد عليه السلام وأهل مدينة بر امام حسين عليه السلام:

قال بشير بن جذلم: لما وصلنا قريباً من المدينة أمرنى الإمام زين العابدين رضى الله عنه أن أخبر أهل المدينة.. فلم أر باكياً وباكياً أكثر من ذلك اليوم، فخرج الإمام من الخيمة ويده منديل يمسح به دموعه، فجلس على كرسى وحمد الله واثنى عليه ثم قال:

أيها الناس، إن الله له الحمد وله الشكر قد ابتلانا بمصائب جليئة، ومصيبتنا ثلمة عظيمة فى الإسلام ورزية فى الأنام، قتل أبى الحسين وعترته وأنصاره، وسبيت نساؤه وذريته، وطيف برأسه فى البلدان على عالى السنان، فهذه الرزية تعلق على كل رزية، فلقد بكت السبع الشداد لقتله، والسبع الطباق لفقده، وبكت البحار بأمواجها، والأرضون بأرجائها، والأشجار بأغصانها، والطيور بأوكارها، والحيتان فى ليجج البحار، والوحوش فى البرارى والقفار، والملائكة المقربون والسماوات والأرضون.

أيها الناس، أى قلب لا ينصدع لقتله ولا يحزن لأجله.

أيها الناس، أصبحنا مشردين، مطرودين، مذودين، شاسعين عن الأوطان، من غير جرم اجترمنا، ولا مكروه ارتكبنا، ولا

ثلمة في الإسلام ثلمناها، ولا فاحشة فعلناها،

فوالله لو أن النبي صلى الله عليه و آله أوصى إليهم في قتالنا لما فعلوا بنا ما ازدادوا في قتالنا، فإنا لله وإنا إليه راجعون.
ثم قام ومشى إلى المدينة ليدخلها، فلما دخل زار جده رسول الله (ص) ثم دخل منزله
ينابيع المودة: ٤٢٥

امام عليه السلام و قیام های عصر ایشان

قیام مردم مدینه ، علل و فرجام آن

یزید عثمان بن محمد بن ابی سفیان را والی مدینه قرار داد و او جوان بی تجربه ای بود وی گروهی از جمله عبدالله بن حنظله غسیل الملائکه، و عبدالله بن ابی عمرو بن حفص المخزومی را نزد یزید فرستاد و یزید به آنان اکرام ها داشت ولی آنان مسائل خلاف انتظاری از یزید دیدند که اکرام ها مانع چشم پوشی از حقیقت نشد وقتی وارد مدینه شدند پرده از کارهای یزید برداشتند و گفتند: «... قدمنا من عند رجل لیس له دین یشرب الخمر ویضرب بالطنابیر ویعزف عنده القیان ویلعب بالکلاب». و تصمیم گرفتند در مقابل چنین حاکمی قیام کنند و ابن حنظله اهداف قیام خویش را اینگونه اعلام کرد:.... فوالله ما خرجنا علی یزید حتی خفنا ان نرمی بالحجارة من السماء، إنه رجل ینکح أمهات الأولاد والبنات والأخوات، ویشرب الخمر ویدع الصلاة

تاریخ الخلفاء: ١٦٧؛ تاریخ الإسلام: ٢٧

آنان تصمیم گرفتند یزید را خلع کرده و از ارسال گندم و خرما به شام جلوگیری کنند یزید پس از اطلاع از این مسئله لشکری را به فرماندهی مسلم بن عقبه به سوی مدینه گسیل داشت و فرمان داد: «أدع القوم ثلاثاً فإن أجابوك وإلا فقاتلهم فإذا ظهرت عليهم فانهبها ثلاثاً» مردم مدینه برای حفظ شهر اقدام به بازسازی خندق مدینه نمودند ولی خیانت مروان و فرزندانش موجب ورود لشکر شام به مدینه، و قتال أهل مدینه شد و بنی حارثه را راضی کرده بودند که لشکر شام از منطقه آنان وجوف وارد مدینه گردند طولی نکشید که شهر محاصره شد ولی با دفاع خوبی که مردم از مدینه داشتند نیروهای یزید بر مدینه مسلط شدند و از کشته پشته ها ساختند ، اموال مردم را غارت و حریم های زیادی متعرض شدند و مسلم بن عقبه از مردم برای یزید بیعت گرفت که مردم بنده یزید هستند و یزید برجان ، مال و ناموس افراد برتری دارد و هر کسی از این بیعت سر باز زند خودش هدر است و استثناء کرد
امام علی بن حسین علیه السلام و کسانی که ایشان شفاعت کنند.

الإمامة والسياسة ٢١٥: ١؛ الكامل في التاريخ

تعداد کشته ها: «من قریش والأنصار والمهاجرین ووجوه الناس ألفاً وسبعمائة، ومن سائر الناس عشرة آلاف سوی

النساء والصبيان» وقتل من أصحاب النبي (ص) ثمانون رجلاً، ولم يبق بدرى بعد ذلك وفي رواية ابن أعثم (٦٥٠٠) ورواية المسعودي (٤٢٠٠)

الفتوح ١٨١: ٥؛ مروج الذهب ٧٠: ٣.

از چهرهای سرشناس: عبدالله بن حنظله غسیل الملائکة و ده فرزندش و برادر و غیر آنها از فرزندان صحابه و حافظان قرآن و از رزمندگان جنگ بدر، تا آنکه حره پایان عمر بدریین شناخته شد و قتل فيها (سبعمائه من حمله القرآن) تاریخ الإسلام، للذهبی: ٣٠

در یورش لشکر شام رعایت حرمت بانوان و کودکان نشد در بررسی که پس از ترک لشکر شام از مدینه به عمل آمد (افتض فيها ألف عذراء) وأنه «حبلت ألف امرأة في تلك الأيام من غير زوج» تاریخ الخلفاء: ١٦٧؛ البداية والنهاية ٢٢١: ٨

ودخلت الجيوش الشاميه أحد البيوت فلم يجدوا فيها إلا امرأة وطفلاً ليس لديها مال أخذوا طفلها وضربوا رأسه بالحائط فقتلوه وقام أحد جنود الشام بتكرار العملية حينما ضرب ابناً لابن أبي كبشة الأنصاري بالحائط فانتثر دماغه في الأرض الإمامة والسياسة ٢١٥: ١؛ المحاسن والمساوي ١٠٤: ١

غارت اموال مردم مدینه و زیبا گذاشتن مقدسات و شکستن احترام اصحاب پیامبر بخش دیگری از جنایات لشکر یزید در ذیحجه سال ٦٣ هجری قمری بود از جمله به مهاجرین خطاب یهود می کردند و مدینه ای که پیامبر به طیبه می شناخت به نتنه از آن یاد می کردند. وسمی ابن عقبه المدینه «نتنه وقد سماها رسول الله (ص) طیبه» أنساب الأشراف: ٣٢٧. مروج الذهب ٦٩: ٣

مسلم بن عقبه که با این جنایت به مسرف مشهور شد برای گوشمالی عبدالله بن زبیر راهی مکه شد که میان راه اجل بیش از این فرصت جنایت به او نداد و مرد و فرماندهی لشکر شام بر عهده حصین بن نمیر گذاشته شد و لی او پس از حدود دو ماه تلاش پشت دروازه های مکه، به دلیل اطلاع از مرگ یزید منطقه حجاز را برای رسیدن به شام پشت سر گذاشت.

قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی

مختار در ١٣ سالگی که پدرش در جبهه شهید شد یتیم و تحت سرپرستی عمویش سعد بن مسعود قرار گرفت، عمومی او استاندار علی علیه السلام بر مدائن بود او از ویژگیهای اخلاقی مانند توجه به کودکان و زنان و سالمندان و آب دادن به تشنگان و روزه بودن حتی در عملیات رزمی و قیام در روز جمعه و خواند خطبههای نماز جمعه و انجام مراسم بیعت رسمی بعد از نماز برخوردار بود.

در بیعتها می خواند:

تبايعوني على كتاب الله و سنة نبيه و الطلب بدماء اهل البيت و جهاد المحليين (منحرفين) و الدفع عن الضعفاء فاذا قال الرجل نعم بايعه.

طبری، ج ٦، ص ٣٢.

زمان اعلام رسمی قیام مختار: فی الکوفه ليله الاربعاء لاربع عشرة ليله بقیت من شهر ربيع الاخر سنة ست و ستين،

فبايعه الناس على كتاب الله و سنة رسول الله (صلى الله عليه و آله) و الطلب بدم الحسين بن على (عليهما السلام) و دماء أهل بيته (رحمة الله عليهم) و الدفع عن الضعفاء. أمالي طوسی، ص ۲۴۰.

او به ۳۸۰۰ نفری که از اول با او بودند هر کدام ۵۰۰ درهم داد و به جمع ۶۰۰۰ نفری که پس از تسلط بر کوفه به او پیوستند هر کدام ۲۰۰ درهم پاداش داد.

حضرت علی (ع) پیش از این درباره او فرموده بود: " جوانی از ثقیف انتقام خون حسین (ع) را خواهد گرفت". حدیقه مقدس اردبیلی، ۵۰۴.

و امام حسین (ع) روز عاشورا در نفرین به یزیدیان فرمود: سلط علیهم غلام ثقیف اللهوف، ص ۹۹.

و امام سجاد (ع): "همین که مختار سر ابن زیاد و عمر سعد را نزد ایشان فرستاد به سجده افتاد و گفت: الحمد لله الذی أدرك لی ثاری من أعدائی، و جزی الله المختار خیرا. رجال الکشی، ص ۱۲۷.

و امام باقر (ع) فرمود: لا تسبوا المختار فإنه قتل قتلنا و طلب بئارنا و زوج أراملنا و قسم فینا المال علی العسرة. رجال الکشی، ص ۱۲۵.

جلسه دوازدهم

امام سجاد علیه السلام و جریان های فکری (فرقه ها)

ریشه های فرقه سازی خروج از اطاعت و پیروی از معصومین بوده، برخی در جنبه غلو و ماورائی خواندن معصومین و برخی با روی گردانی از راه روشن آنان و سیر به کجراه ها و یا کوره راه های انحرافی.

زمینه های انشعاب و فرقه سازی در عصر امام سجاد علیه السلام بیشتر فراهم گردید چون اقتدار و حاکمیت دین با روی کار آمدن بنی امیه تضعیف شده بود و مردم به دنبال راه خروجی از وضعیت موجود بودند از این رو فرصت خوبی برای فرقه سازان به وجود آمده بود که از این وضعیت کمال بهره را ببرند. به برخی از فرقه های عصر امام اشاره می کنیم:

الف کیسانیه: قائلین به امامت محمد بن الحنفیه بودند و معتقدند که او زنده است.

امین الاسلام طبرسی می نویسد: و لا احدٌ یدعی الامامه فی زمان زین العابدین «علیه السلام» الا من قال بامامه محمد بن الحنفیه و ذهب الی انه حیٌ لم یمت و هم الکیسانیه لأنهم ادعوا حیاة من علم وفاته کما علم وفاء ابيه و اخیه و لعجزهم ایضاً عن اتیان النص علی محمد بالامامه و بطل قول من قال بامامه من هو غیر معصوم. اعلام الوری ۲۵۷

خواص جامعه هم درگرایش به کیسانیه وسوسه شدند و افرادی هم چون سید حمیری و ابو خالد کابلی به کیسانیه گرایش پیدا کردند ولی وقتی مشاهده نمودند شخص محمد بن حنفیه به امام سجاد علیه السلام با الفاظی همچون یا سیدی خطاب می کند متوجه شدند که باید به امام سجاد علیه السلام روی آورد و از عقیده کیسانیه روی گرداند.

اعلام الوری ۲۵۹

ب فرقه های زیدیه

زید بن علی بن الحسین علیه السلام که بر ظلم حکومت مروانی قیام و به شهادت رسید پیروانی پیدا کرد که از راه معصومین فاصله گرفتند و امامت را حق قیام کننده با شمشیر می دانستند و به زیدیه معروف شدند زیدیه به فرقه های زیادی منشعب شد از جمله پنج فرقه مشهور:

۱) جارودیه پیروان زیاد بن منذر همدانی اعمی مکنی بابی الجارود که امام باقر علیه السلام وی را سرحوب «شیطان ساکن دریا» نام نهاد.

۲) سلیمانیه پیروان سلیمان بن جریر که شیخین را پذیرفته بودند و امامت را شورائی می دانند.

۳) صالحیه پیروان حسن بن صالح بن حی که در اصول پیرو معتزله و در فروع پیرو ابو حنیفه بودند.

۴) بُتْرَیَه پیروان کثیر النواء شاعر معروف که ملقب به ابتر بوده.

بُتْرَیَه و سلیمانیه از فرق زیدیه جارودیه را کافر می دانند و در مقابل نیز جارودیه این دو فرقه را به دلیل عدم اعتقاد به کفر شیخین کافر می دانند.

۵) یعقوبیه پیروان یعقوب بن علی کوفی

زیدیه فرقه های دیگری چون قاسمیه، حسینیّه، نعیمیّه، دُکیرَیَه، خُشَبِیَه و سَرخَابِیَه و منشعب شده

مقاتل الطالبیین ۱۹/۱-۲۲

وبعد ما استشهد الإمام الحسین علیه السلام بيد الطغمة الغاشمة من بني أمية ظهرت فرقة الكيسانية وهم القائلون بإمامة محمد بن الحنفية بن علي بن أبي طالب، ثم تبعتها فرق أخرى في الظهور حسب تطورات الأحداث مثل الزيدية أتباع زيد بن علي، والمغيرية، والمحمديّة، والناووسية، والإسماعيلية، والسميطية، والفتحية، والواقفية، والخطابية، والنصيرية، والمفوضة.

دليل المرشدين إلى الحق اليقين ۴۲

ترویجگر فقه نبوی صلی الله علیه و آله شیخ فقهائ سبعة

تا نیمه دوم قرن اول عموم افراد جامعه با بهره گیری از اطلاعات اصحاب و یا تابعین احکام شرعی را انجام می دادند ولی آرام آرام از نیمه دوم قرن اول چهره هائی به عنوان فقیه در جامعه مطرح شدند که با استناد به سخنان

پیامبر و اصحاب به بیان احکام شرعی می پرداختند در این دوران امام سجاد علیه السلام با نقش آفرینی در تبیین مسائل فقهی ضمن احیاء فقه زمینه را برای فعالیت امامان باقر و صادق علیهما السلام فراهم ساختند به گونه ای که یکی از عالمان نامدار آن روزگار به نام ژهری میگوید:

ما رأیت هاشمياً افضل من زین العابدین ولا افقه منه

تاریخ دمشق ترجمه امام زین العابدین (علیه السلام) ۲۷

ذکر ابن حزم و ابن القیم من المدینین الذین أخذ عنهم الفتیا علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب علیهم السلام

تأریخ الفقه الإسلامی و أدواره ایة الله سبحانه ۳۴ به نقل از الاحکام ابن حزم الأندلسی ۹۰/۳ إعلام الموقعین ابن قیّم الجوزیة ۱/ ۲۳

و یا شافعی امام را افقه اهل مدینه می شناسد. در این عصر فقهاء سبعة شکل گرفتند که با نگرش اهل حدیث یا اخباری گری فقه را به جامعه عرضه می کردند این فقیهان عبارت بودند از:

۱) عروة بن زبیر بن عوام (۲۳- / ۹۴ هـ) که از پدرش زبیر بن عوام، مادرش اسماء بنت ابی بکر، امام علی و حسنین علیهم السلام نقل حدیث می کرده.

۲. سعید بن مسیب المخزومی (۱۳- / ۹۴ ق) حدیث شناس ومحدث بزرگ حجاز که بهره های زیادی از امام علی بن الحسین علیه السلام برد و از روایان مشترک بین شیعه و اهل سنت است و در سلسله اسناد کتب اربعه چهارده بار از او نام برده شده.

۳) سلیمان بن یسار (۳۴- / ۱۰۷ ق).

۴) خارجه بن زید بن ثابت (ت ۱۰۰ هـ).

۵) قاسم بن محمد بن ابی بکر (۳۷- / ۱۰۸ ق) جدّ اُمی امام صادق علیه السلام و از اصحاب امام علی بن الحسین و امام باقر علیهم السلام می باشد.

۶) عبیدالله بن عبدالله بن عتبة (ت ۹۸ ق) که نقل حدیث از سهل بن حنیف، عثمان بن حنیف، عبدالله بن عباس، ابو سعید الخدری داشته و معلم عمر بن عبدالعزیز بوده و به فقیه کثیر الحدیث و العلم مشهور می باشد.

۷) ابوبکر بن عبدالرحمن المخزومی (ت ۹۴ هـ)

فقهاء سبعة از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب و فتاوی ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام قبل از خلافت و عایشه و ابن عباس و ابن عمر و زید بن ثابت و ابی هریره بهره گرفته اند. و از این مدرسه مذاهب اهل سنت

مالکی و شافعی و حنبلی و مذهب الظاهری (پیروان داود بن علی ظاهری) که به ظاهر قرآن و حدیث عمل می کردند شکل گرفته است.

موسوعه طبقات الفقهاء ۴۵۸/۱-۳۷۵

مباحث فقهی و احکام شرعی دوره شکل گیری خود را سپری می کرد و راهکارها و روش استنباط احکام شرع هنوز در آغاز راه بود امام سجاد علیه السلام در راستای اصلاح روش تفقه در دین می فرمود: *إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرَءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ وَ مَنْ أَقْتَدَى بِنَا هُدَى وَ مَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِالْفَيَاسِ وَ الرَّأْيِ هَلَكَ وَ مَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا مِمَّا نَقُولُهُ أَوْ نَقَضِي بِهِ حَرْجًا كَفَرَ بِالذِّي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَتَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ*

کمال الدین و تمام النعمه ۱/ ۳۲۴

امام در جهت اصلاح روند فقه آموزی توجه ویژه داشتند تا آنجا که از زهری که تا آن زمان هنوز به کجراهی بنی امیه در نغلتیده بود و به مباحث فقهی علاقه داشت استفسار می کنند در مسجد چه مباحثی مطرح کردید: *عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فَقَالَ لِي يَا زُهْرِيُّ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ قُلْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ قَالَ فِيمَ كُنْتُمْ قَالَ تَذَكَّرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ فَأَجْمَعَ رَأْيِي وَ رَأَى أَصْحَابِي أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ يَا زُهْرِيُّ لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ إِنَّ الصَّوْمَ عَلَى أَرْبَعِينَ وَجْهًا فَعَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا وَاجِبَةٌ كَوْجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا صِيَامُهُنَّ حَرَامٌ وَ أَرْبَعَةٌ عَشْرٌ وَجْهًا مِنْهَا صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ صَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهُ وَ صَوْمُ التَّادِيْبِ وَ صَوْمُ الْإِبَاحَةِ وَ صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ قُلْتُ فَسَرُّهُنَّ لِي جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ أَمَّا الْوَاجِبُ فَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ لِمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي قَتْلِ الْخَطَا لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَى قَوْلِهِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي كَفَّارَةِ الظَّهَارِ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا وَ صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِطْعَامَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ كُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَ لَيْسَ بِمُتَّفَرِّقٍ وَ صِيَامُ أَدَى الْحَلْقِ حَلْقِ الرَّأْسِ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَدَى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٌ أَوْ نُسْكَ صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ وَ إِنْ صَامَ صَامَ ثَلَاثًا وَ صَوْمُ دَمِ الْمُتَعَةِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ وَ صَوْمُ جَزَاءِ الصَّيْدِ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ*

مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا ثُمَّ قَالَ أَوْ تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا يَا زُهْرِي قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ تُقَوِّمُ الصَّيِّدَ قِيمَةً ثُمَّ تَفْضُ تِلْكَ الْقِيمَةَ عَلَى الْبُرِّ ثُمَّ يُكَالُ ذَلِكَ الْبُرُّ أَصْوَاعًا فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْمًا وَصَوْمُ النَّذْرِ وَاجِبٌ وَصَوْمُ الْإِعْتِكَافِ وَاجِبٌ وَآمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ الْأَضْحَى وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَ صَوْمُ يَوْمِ الشُّكْرِ أَمْرُنَا بِهِ وَ نَهَيْنَا عَنْهُ أَمْرُنَا أَنْ نَصُومَهُ مَعَ شَعْبَانَ وَ نَهَيْنَا أَنْ يَنْفَرِدَ الرَّجُلُ بِصِيَامِهِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَشْكُرُ فِيهِ النَّاسُ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَامَ مِنْ شَعْبَانَ شَيْئًا كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يَنْوِي لَيْلَةَ الشُّكْرِ أَنَّهُ صَائِمٌ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَ عَنْهُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يُضِرَّ قُلْتُ وَ كَيْفَ يُجْزَى صَوْمُ تَطَوُّعٍ عَنْ فَرِيضَةٍ فَقَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَ هُوَ لَا يَدْرِي وَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ أَجْزَأَ عَنْهُ لِأَنَّ الْفَرِيضَ إِثْمًا وَقَعَ عَلَى الْيَوْمِ بَعَيْنِهِ وَ صَوْمُ الْوَصَالِ حَرَامٌ وَ صَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ وَ صَوْمُ النَّذْرِ لِلْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ وَ صَوْمُ الدَّهْرِ حَرَامٌ وَ آمَّا الصَّوْمُ الَّذِي صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ الْخَمِيسِ وَ الْإِثْنَيْنِ وَ صَوْمُ أَيَّامِ الْبَيْضِ وَ صَوْمُ سِتَّةِ أَيَّامٍ مِنْ شَوَّالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ يَوْمِ عَرَفَةَ وَ يَوْمِ عَاشُورَاءَ كُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ آمَّا صَوْمُ الْإِذْنِ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَ الْعَبْدُ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ سَيِّدِهِ وَ الضَّيْفُ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ فَمَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ وَ آمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَإِنَّهُ يُؤْمَرُ الصَّيِّبُ إِذَا رَاهِقَ بِالصَّوْمِ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرِيضٍ وَ كَذَلِكَ مَنْ أَفْطَرَ لِعَلِّهِ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ قَسَوَى بَعْدَ ذَلِكَ أَمَرَ بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرِيضٍ وَ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرِيضٍ وَ كَذَلِكَ الْمُسَافِرُ إِذَا أَكَلَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ قَدِمَ أَهْلَهُ أَمَرَ بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرِيضٍ وَ آمَّا صَوْمُ الْإِبَاحَةِ فَمَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِيًا أَوْ تَقِيًّا مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَقَدْ أَبَاحَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ وَ أَجْزَأَ عَنْهُ صَوْمُهُ وَ آمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ فَإِنَّ الْعَامَّةَ اخْتَلَفَتْ فِيهِ فَقَالَ قَوْمٌ يَصُومُ وَ قَالَ قَوْمٌ لَا يَصُومُ وَ قَالَ قَوْمٌ إِنْ شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ آمَّا نَحْنُ فَتَقُولُ يُفْطِرُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعًا فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ فِي ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

الخصال ٢ / ٥٣٤ فروع کافی ١٨٥/١ تهذيب ٤٣٥/١

نقش فرهنگي، تربيتي دعاهاي امام سجاد عليه السلام

امام علاوه بر روش تبیین معارف دینی که در احادیث ماثور فراوانی و از جمله رساله حقوق (حاوی ٥٠ فرد و یا گروه که بر انسان حق دارند) بیان نموده اند از بهترین اسلوب رشد علمی معنوی جامعه در تبیین معارف و آموزه های دینی از قالب نیایش نیز استفاده کرده اند.

شرایط سیاسی، اجتماعی عصر امام سجاد علیه السلام به گونه ای بود که امام با هوشمندی و انتخاب این روش در راه انجام وظیفه خویش بهره فراوان بردند ادعیه امام را می توان با لحاظ شرایط زمان، مکان و مخاطبین اجمالا به چند دسته تقسیم کرد:

۱) دعا و بیان حقایقی از هستی

...سبحانک تعلم وزن السماوات، سبحانک تعلم وزن الارضین، سبحانک تعلم وزن الشمس و القمر، سبحانک تعلم وزن الظمه و النور، سبحانک تعلم وزن الفی و الهواء...

الدعاء ۵۱ من الصحیفة الثانية التي جمعها الشيخ الحر العاملي

۲) دعا برای مدافعین از سرحدات کشور اسلامی

از جمله امور مهم که جنبه مقدمه برای بسیاری از فعالیت‌های جمعی و فردی دارد امنیت است تا آنجا که معصوم می‌فرماید نعمتان مجهولتان الصحة و الامان، امام علیه السلام برای یاری مدافعین سرحدات کشور اسلامی هر چند حاکمیت در اختیار بنی امیه است در دعای خاص رزمندگان در درگاه الهی عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيْدِ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ، وَ أَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جَدَّتِكَ. (۲)

اللَّهُمَّ وَ امْرُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ اطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ، وَ اَرْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ، وَ اَلْحِ عَليهَا بِالْقُدُوفِ، وَ اَفْرَعَهَا بِالْمُحُولِ، وَ اجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْصَ اَرْضِكَ وَ اُبْعِدْهَا عَنْهُمْ، وَ اَمْنِعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ، اَصْبِغْهُم بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَ السُّقْمِ اَللِيمِ. (۱۳)

صحیفة سجادیة (دعای ۲۷ کان من دعائه علیه السلام لأهل النغور)

۳) همگرایی در خانه و خانواده

هر انسانی خود را نسبت به والدین خویش مدیون و در قبال فرزندان و نسل آینده وظیفه مند و مسئول می‌داند امام سجاد علیه السلام در دعای های ۲۴ و ۲۵ صحیفة سجادیة این مهم را با دقت و ظرافت معنوی خاصی در پیشگاه الهی به نیایش پرداخته اند که هم سازنده تربیتی اخلاقی است و هم به نیایش به درگاه خداوند، عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابَهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَ اَبْرَهُمَا بَرَّ اَلْأُمِّ الرَّءُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدِي وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ، وَ اَثَلَجْ لِي صَدْرِي مِنْ شَرِّبِهِ الظَّمَانِ حَتَّى اَوْثِرَ عَلَيَّ هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ اَقْدِمْ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا وَ اَسْتَكْبِرْ بَرَّهُمَا بِي وَ اِنْ قَلَّ، وَ اَسْتَقِلَّ بَرِّي بِهِمَا وَ اِنْ كَثُرَ. (۶) اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ اَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي، وَ اَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي، وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلَيْهِمَا شَفِيقًا. (۷) صحیفة سجادیة (دعای ۲۴ کان من دعائه علیه السلام لأبويه عليهما السلام):

و در مورد فرزندان عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ بَيْتَاءٍ وَ وُلْدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِإِمْتَاعِي بِهِمْ. (۲) اِلٰهِي اَمِدُّ لِي فِي اَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِي فِي اَجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَ قَوْلِي ضَعِيفَهُمْ، وَ اَصِحِّ لِي اَبْدَانَهُمْ وَ اَدْيَانَهُمْ وَ اَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِي اَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنِيتَ بِهِ مِنْ اَمْرِهِمْ، وَ اَذِرْ لِي وَ عَلَيَّ يَدِي اَرْزَاقَهُمْ. (۳) وَ اجْعَلْهُم اَبْرَارًا اَتْقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ

لَكَ، وَلِأَوْلِيَائِكَ مُجِيبِينَ مُنَاصِحِينَ، وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ، آمِينَ. (٤) صحيفه سجاديه (دعاى ٢٥)
كان من دعائه عليه السلام لولده عليهم السلام

(٤) احياى اخلاق و ادب اسلامى

در دعاى مكارم الاخلاق امام عليه السلام با ارائه صفات و ملكات انساني و اميد دسترسى به آن دست به دعا برداشته اند و اينگونه مى گویند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَيْتَنِي بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزَى مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ، وَ أَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبُذْلِ، وَ أَكْفِئَنِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اِعْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ. (١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ حَلِّئِنِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّارِ، وَ ضَمِّ أَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِيْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِثْقَالَ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لَزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ. (١١)

صحيفه سجاديه (دعاى ٢٠) كان من دعائه عليه السلام فى مكارم الأخلاق و مرضى الأفعال:

و يا در دعاى ٣٨ به عنوان اعتذار از كم كارى و كاستى ها عرضه مى دارند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَيْتِي إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَ مِنْ مُسِيءٍ اِعْتَدَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعْذِرْهُ، وَ مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ، وَ مِنْ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوقِرْهُ، وَ مِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أُسْتِرْهُ، وَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ. (٢)

صحيفه سجاديه (دعاى ٣٨) كان من دعائه عليه السلام فى الاعتذار من تبعات العباد و من التقصير فى حقوقهم و (...)

(٥) مناجات خمسۀ عشر

امام براى سالکين طريق عبوديت و بندگى و دلدادگان عشق به خداى رحمان و رحيم مناجات پانزده گانه براى همه

گروها ارائه کرده اند.

این مناجات که به مناجات خمسۀ عشر شهرت یافته عبارتند از: مناجات التائبین، الخائفین، الذاکرین، الراجین، الراغبین، الزاهدین، الشاکرین، الشاکین، العارفین، المتوسلین، المحبین، المریدین، المطیعین، المعتصمین، المفتقرین و هر کدام سرشار از مضامین ارزشمند معنوی و عرفانی است.

امام و نزدیکان

امام در پنجم شعبان سال ۳۶ و یا ۳۸ هجری در مدینه و یا کوفه متولد شد در سن حدود سه سالگی جد و در ۱۳ سالگی عمو (امام مجتبی علیه السلام) و در ۲۳ سالگی پدر بزرگوار و.. خویش را از دست دادند و در محرم سال ۹۴ و یا ۹۵ به دیار باقی شتافتند. مدت امامت آن حضرت حدود ۳۴ سال و عمر مبارکشان ۵۷ سال بوده است.

* همسران:

همسر آن حضرت دختر امام مجتبی علیه السلام ام عبدالله بوده و در طول عمرشان از تعداد ۵ نفر ام ولد صاحب فرزند شدند.

* فرزندان:

امام در جمع ۱۵ فرزند به نامهای محمدباقر، عبدالله، حسن، حسین، زید، عمر، حسین اصغر، عبدالرحمان، سلیمان، علی، محمداصغر، خدیجه، فاطمه، علیّه و ام کلثوم داشتند.

* چگونگی شهادت:

ولید بن عبدالملک دشمنی بسیاری علیه امام سجاد علیه السلام داشت زهری از وی نقل کرده: لاراحه لی و علی بن الحسین موجود فی دار الدنیا
حیاة الامام زین العابدین ۶۷۸
فبعث سماً قاتلاً الی عامله علی یثرب و امره ان یدسه للامام

بحار الانوار ۱۵۳/۴۶ به نقل از الفصول المهمه ابن صباغ مالکی ۱۹۴

پرسش:

- ۱) عوامل فرقه سازی و گسترش آن چیست؟
- ۲) امام سجاد علیه السلام چه نقشی در گسترش فقه داشتند؟
- ۳) دعا چه نقشی در اصلاح معنوی جامعه دارد؟